

القاعده یک سازمان ستیزه جوی پان اسلامیست است که توسط سنی ها رهبری می شود. جهادگرانی که خود را به عنوان پیشاهنگی برای متحد کردن جهان اسلام تحت یک خلافت اسلامی فراملی معرفی می کنند. اعضای آن اکثراً از اعراب تشکیل شده است، اما افراد دیگر اقوام را نیز دربرمی گیرد. القاعده حملاتی را علیه اهداف غیرنظامی، اقتصادی و نظامی ایالات متحده و متحدانش ترتیب داده است. مانند بمب گذاری سفارت ایالات متحده در سال ۱۹۹۸، بمب گذاری یو اس اس کول، و حملات ۱۱ سپتامبر. این گروه همچنین روسیه و مسلمانان شیعه و کشورهای عراق و سوریه و کشورهای آفریقایی را نیز هدف قرار می دهد.

این سازمان در سلسله جلساتی که در سال ۱۹۸۸ در پیشاور برگزار شد، با حضور عبدالله عزام، اسامه بن لادن، محمد عاطف، ایمن الظواهری و دیگر کهنه سربازان جنگ شوروی-افغانستان تأسیس شد. با تکیه بر شبکه های مکتب الخدمت، اعضای مؤسس تصمیم گرفتند سازمانی به نام «القاعده» ایجاد کنند تا به عنوان «پیشگام» جهاد عمل کند. زمانی که صدام حسین در سال ۱۹۹۰ به کویت حمله کرد و آن را اشغال کرد، بن لادن با فرستادن مبارزان مجاهد خود به عربستان سعودی پیشنهاد حمایت کرد. پیشنهاد او توسط دولت سعودی رد شد و در عوض از ایالات متحده کمک خواست. استقرار نیروهای آمریکایی در شبه جزیره عربستان بن لادن را بر آن داشت تا هم علیه حاکمان عربستان سعودی - که او آنها را مرتد (خارج از دین) معرفی می کرد - و هم علیه ایالات متحده اعلام جهاد کند. از سال ۱۹۹۲، القاعده مقر خود را در سودان تأسیس کرد تا اینکه در سال ۱۹۹۶ از این کشور اخراج شد. سپس پایگاه خود را به افغانستان تحت حاکمیت طالبان منتقل کرد و بعداً به سایر نقاط جهان، عمدتاً در خاورمیانه و جنوب آسیا گسترش یافت. در سال های ۱۹۹۶ و ۱۹۹۸، بن لادن دو فتوا صادر کرد که خواستار خروج نیروهای آمریکایی از عربستان سعودی شد. (و شاید همین آغاز پایان برای بن لادن بود)

در سال ۱۹۹۸، القاعده بمب گذاری سفارت ایالات متحده در کنیا و تانزانیا را انجام داد که منجر به کشته شدن ۲۲۴ نفر شد. ایالات متحده با آغاز عملیات بی نهایت، علیه اهداف القاعده در افغانستان و سودان، تلافی کرد. در سال ۲۰۰۱، القاعده حملات ۱۱ سپتامبر را انجام داد که منجر به مرگ نزدیک به ۳۰۰۰ نفر، عواقب درازمدت سلامت ساکنان اطراف، آسیب به بازارهای اقتصادی جهانی، ایجاد تغییرات شدید ژئوپلیتیک و همچنین ایجاد نفوذ فرهنگی عمیق در سراسر جهان شد.

۱۹ نفر عضو القاعده دوهواپیما رابه برج های دوقلو آمریکا کوبیدند که ۱۵ نفر آنها عربستانی بودند و هیچ یک افغانی نبودند.

ایالات متحده (همراه متحدانش) در پاسخ به جنگ با تروریسم به افغانستان حمله کرد تا طالبان را سرنگون کند و القاعده را نابود کند. در سال ۲۰۰۳، یک ائتلاف به رهبری ایالات متحده به عراق حمله کرد و رژیم بعثی را که آنها به دروغ به داشتن ارتباط با القاعده متهم کردند، سرنگون کردند. در سال ۲۰۰۴، القاعده شاخه منطقه ای خود در عراق را راه اندازی کرد. پس از تقریباً یک دهه تعقیب او، ارتش ایالات متحده بن لادن را در ماه می ۲۰۱۱ در پاکستان کشت. (بدون آنکه خود را درگیر محاکمه اش کند.)

اعضای القاعده معتقدند که یک اتحاد یهودی-مسیحی (به رهبری ایالات متحده) در حال جنگ با اسلام و توطئه برای نابودی اسلام است. القاعده همچنین با قوانین ساخت بشر مخالف است و به دنبال اجرای شریعت (قانون اسلامی) در کشورهای مسلمان است. جنگجویان القاعده به طور مشخص تاکتیک هایی مانند حملات انتحاری (عملیات انغماسی و استشهادی) را که شامل بمباران همزمان چندین هدف در مناطق نبرد است، به کار می گیرند. در گروه هایی مانند القاعده، داعش یا هیئت تحریر الشام، انغماسی به فرد یا یگانی گفته می شود که کمر بند انفجاری و سلاح سبک به همراه دارد و تا آخرین گلوله می جنگد و پس از پایان رسیدن گلوله هایش خود را منفجر می کند. شاخه عراق القاعده، که بعداً پس از سال ۲۰۰۶ به دولت اسلامی عراق تبدیل شد، مسئول حملات فرقه ای متعدد علیه شیعیان در طول شورش عراق بود. ایدئولوگ های القاعده حذف خشونت آمیز همه تأثیرات خارجی و سکولاریستی در کشورهای مسلمان را تصور می کنند و آن را به عنوان انحرافات فاسد محکوم می کنند. پس از مرگ بن لادن در سال ۲۰۱۱، القاعده قول داد که انتقام قتل او را بگیرد. این گروه سپس توسط ایمن الظواهری مصری رهبری می شد تا اینکه او نیز در سال ۲۰۲۲ توسط ایالات متحده کشته شد. طبق گزارش ها، از سال ۲۰۲۱، آنها از وخامت فرماندهی مرکزی بر عملیات منطقه ای خود رنج می برند.

سازمان

القاعده فقط به طور غیرمستقیم عملیات روزانه خود را کنترل می کند. فلسفه آن خواهان تمرکز تصمیم گیری است، در حالی که امکان تمرکززدایی اجرا را فراهم می کند. رهبران ارشد القاعده ایدئولوژی و استراتژی هدایت سازمان را تعریف کرده اند و همچنین پیام های ساده و آسانی را بیان کرده اند. در همان زمان، به سازمان های سطح متوسط استقلال داده شد، اما آنها باید قبل از حملات و ترورهای بزرگ با مدیریت ارشد مشورت می کردند. مدیریت ارشد شامل شورا و همچنین کمیته های عملیات نظامی، مالی و اشتراک اطلاعات بود. ظواهری از طریق کمیته های اطلاعاتی القاعده در برقراری ارتباط با گروه های خود تأکید ویژه ای داشت. با این حال، پس از جنگ با تروریسم، رهبری القاعده منزوی شده است. در نتیجه، رهبری غیرمتمرکز شده است و سازمان به چندین گروه القاعده تبدیل شده است.

این گروه در ابتدا تحت سلطه مصری ها و سعودی ها بود و برخی از یمنی ها و کویتی ها مشارکت داشتند. با گذشت زمان، این سازمان به یک سازمان تروریستی بین المللی تبدیل شده است. در حالی که گروه اصلی آن در ابتدا یک پس زمینه را به اشتراک گذاشت.

از مصر و شبه جزیره عربستان و جنگجویانی از دیگر گروه های عربی، از جمله شمال آفریقا، اردنی ها، فلسطینی ها و عراقی ها را به خود جذب کرده است. در دهه پس از حملات ۱۱ سپتامبر، مسلمانانی با پیشینه های غیر عرب مانند پاکستانی ها، افغان ها، ترک ها، اروپایی ها که به اسلام گرویده اند نیز به این سازمان پیوسته اند.

بسیاری از تحلیلگران غربی معتقد نیستند که جنبش جهادی جهانی در هر سطحی توسط رهبری القاعده هدایت می شود. با این حال، بن لادن نفوذ ایدئولوژیک قابل توجهی بر جنبش های اسلامی انقلابی در سراسر جهان داشت. کارشناسان استدلال می کنند که القاعده به تعدادی از جنبش های منطقه ای متفاوت تقسیم شده است و این گروه ها ارتباط کمی با یکدیگر دارند.

این دیدگاه منعکس کننده روایتی است که اسامه بن لادن در مصاحبه اکتبر ۲۰۰۱ خود با تیسیر علونی بیان کرد:

«این موضوع مربوط به شخص خاصی نیست و ... مربوط به سازمان القاعده نیست. ما فرزندان یک ملت اسلامی هستیم که حضرت محمد (ص) رهبر آن است، پروردگار ما یکی است ... و همه مؤمنان واقعی با هم برادر هستند اون اسم خاص خیلی قدیمیه بدون هیچ گونه اقدامی از جانب ما ایجاد شد. برادر ابو عبیده... یک پایگاه نظامی برای آموزش مردان جوان برای مبارزه با امپراتوری شرور، متکبر، وحشی و وحشت آفرین شوروی ایجاد کرد... بنابراین، این مکان "پایگاه" ["القاعده"] نامیده شد. ، ما فرزندان یک ملت هستیم بخش جدایی ناپذیر آن و از آن تظاهرات های عمومی که از شرق دور، از فیلیپین تا اندونزی، تا مالزی، تا هند، تا پاکستان، به موریتانی می رسد... و از اینرو در مورد وجدان این ملت بحث می کنیم.»

با این حال، از سال ۲۰۱۰، بروس هافمن القاعده را به عنوان یک شبکه منسجم می دید که به شدت توسط مناطق قبیله ای پاکستان رهبری می شد.

القاعده دارای وابستگان مستقیم زیر است:

القاعده در شبه جزیره عربستان (AQAP)

القاعده در شبه قاره هند (AQIS)

القاعده در مغرب اسلامی (AQIM)

الشباب

حراس الدین

جماعت نصر الاسلام والمسلمین (JNIM)

در حال حاضر اعتقاد بر این است که افراد زیر وابسته غیر مستقیم القاعده هستند:

فتح الاسلام

اتحادیه جهاد اسلامی

جیش محمد

لشکر طیبه

وابستگان سابق القاعده شامل موارد زیر است:

ابوسیاف (در سال ۲۰۱۴ با داعش بیعت کرد)
جنبش اسلامی ازبکستان (انحلال)
امارت قفقاز (منحل شده)
جماعت اسلامی (منحل شده در سال ۲۰۲۴)
گروه رزمی اسلامی مراکش (منحل شده)
المرابیتون (در سال ۲۰۱۷ به JNIM پیوست)
القاعده در عراق (دولت اسلامی عراق شد که بعداً از القاعده جدا شد و به داعش تبدیل شد)
القاعده در سرزمین های آن سوی ساحل (غیرفعال از سال ۲۰۱۵)
انصارالاسلام (اکثریت در سال ۲۰۱۴ با داعش ادغام شدند)
انصار دین (در سال ۲۰۱۷ به JNIM پیوست)
جهاد اسلامی یمن (AQAP شد)
جنبش وحدت و جهاد در غرب آفریقا (در سال ۲۰۱۳ با الملثمین ادغام شد و المرابیتون را تشکیل داد)
جنبش راجه سلیمان
جبهه النصره (در سال ۲۰۱۷ منحل شد، با دیگر سازمان های اسلام گرا ادغام شد و هیئت تحریر الشام را تشکیل داد و روابط را از القاعده جدا کرد)

رهبری



اسامه بن لادن (چپ) و ایمن الظواهری (راست) عکس در سال ۲۰۰۱ گرفته شده

اسامه بن لادن از زمان تأسیس این سازمان در سال ۱۹۸۸ تا زمان ترور وی توسط نیروهای آمریکایی در ۱ مه ۲۰۱۱ به عنوان امیر القاعده خدمت کرد. عطیه عبدالرحمن پیش از مرگش در ۲۲ اوت ۲۰۱۱، در فرماندهی دوم بود.

بن لادن توسط یک مجلس شورا که از اعضای ارشد القاعده تشکیل شده بود، مشاوره می گرفت. این گروه شامل ۲۰ تا ۳۰ نفر تخمین زده شد.

پس از می ۲۰۱۱ ایمن الظواهری معاون امیر القاعده بود و پس از مرگ بن لادن نقش امیر را بر عهده گرفت. الظواهری جایگزین سیف العادل شد که به عنوان فرمانده موقت خدمت کرده بود.

در ۵ ژوئن ۲۰۱۲، مقامات اطلاعاتی پاکستان اعلام کردند که جانشین الرحمن به عنوان فرمانده دوم ، ابو یحیی اللیبی، در پاکستان کشته شده است.

ناصر الوحیسی در سال ۲۰۱۳ به عنوان دومین فرمانده کل و مدیر کل القاعده شناخته شد. او همزمان رهبر القاعده در شبه جزیره عربستان (AQAP) بود تا اینکه در حمله هوایی آمریکا در یمن در ماه ژوئن ۲۰۱۵ کشته شد. ابوخیمر المصری، جانشین ادعایی وحیسی به عنوان معاون ایمن الظواهری، در فوریه ۲۰۱۷ در حمله هوایی آمریکا در سوریه کشته شد. رهبر بعدی القاعده، عبدالله احمد عبدالله، توسط ماموران اسرائیل کشته شد. (عبدالله در سال ۲۰۰۳ به محلی در جنوب شرقی ایران رفت و مدتی بعد، در ایران بازداشت و حبس خانگی شد: **بازجویی از سلیمان ابو غیث**، سخنگوی سابق القاعده، تأیید کرد که عبدالله در ایران در حبس خانگی به سر می برد. وی در مارس ۲۰۱۵ به همراه

دیگر رهبران القاعده «سيف العدل» و «ابوخير المصرى» توسط ايران در ازای آزادی یک تبعه ایرانی زندانی در یمن به نام احمد نیکبخت آزاد شد.

نام مستعار او ابو محمد المصری بود که در نوامبر ۲۰۲۰ در ایران کشته شد. گفته می شود او در بمب گذاری ۱۹۹۸ در سفارتخانه های ایالات متحده در کنیا و تانزانیا دخالت داشت.

شبکه القاعده از ابتدا به عنوان یک شبکه توطئه آمیز ساخته شد که از رهبری تعدادی از گره های منطقه ای استفاده می کرد. این سازمان خود را به چند کمیته تقسیم کرد که عبارتند از:

کمیته نظامی، که مسئول آموزش نیروهای عملیاتی، دستیابی به سلاح و طراحی حملات است.

کمیته پول/کسب و کار، که بودجه جذب و آموزش عوامل را از طریق سیستم بانکی حواله تامین می کند. تلاش های تحت رهبری ایالات متحده برای از بین بردن منابع "تامین مالی تروریسم" در سال بلافاصله پس از حملات ۱۱ سپتامبر بیشترین موفقیت را داشت. القاعده از طریق بانک های غیرقانونی، مانند حدود ۱۰۰۰ حواله دار در پاکستان به فعالیت خود ادامه می دهد، که برخی از آنها می توانند معاملاتی تا سقف ۱۰ میلیون دلار را انجام دهند. کمیته همچنین پاسپورت های جعلی تهیه می کند، به اعضای القاعده پول می دهد و بر تجارت های سود محور نظارت می کند. در گزارش کمیسیون ۱۱ سپتامبر، تخمین زده شد که القاعده برای انجام عملیات خود به ۳۰ میلیون دلار در سال نیاز دارد.

کمیته حقوقی قوانین شریعت را بررسی می کند و در مورد اقدامات مطابق با آن تصمیم می گیرد.

کمیته مطالعات اسلامی/فتوا احکام مذهبی صادر می کند، مانند فرمانی در سال ۱۹۹۸ که به مسلمانان (عضو القاعده) می گوید آمریکایی ها را بکشند.

کمیته رسانه روزنامه منقرض شده نشریات الاخبار (به انگلیسی: Newscast) را اداره می کرد و روابط عمومی را اداره می کرد.

در سال ۲۰۰۵، القاعده یک خانه تولید رسانه ای السحاب را تأسیس کرد تا ویدئوها و پیام های صوتی را تولید کند.

پس از الظواهری (۲۰۲۲ - تاکنون)

الظواهری در ۳۱ جولای ۲۰۲۲ در یک حمله هوایی بدون سرنشین در افغانستان کشته شد. تقریباً شش ماه رهبر جدید القاعده و مکان وی نامعلوم بود و شایعات بسیاری در این رابطه وجود داشت. آمریکا بویژه ایران را متهم می کرد که رهبر جدید القاعده را مخفی کرده است. در فوریه ۲۰۲۳، گزارشی از سازمان ملل متحد، بر اساس اطلاعات کشورهای عضو، به این نتیجه رسید که رهبری عملی القاعده به سيف العدل، که در خارج از ایران فعالیت می کرد، واگذار شده است. عادل، افسر سابق ارتش مصر، در دهه ۱۹۹۰ مربی نظامی در اردوگاه های القاعده شد و به دلیل مشارکت در نبرد موگادیشو شهرت داشت. در این گزارش آمده است که به دلیل "حساسیت های سیاسی" دولت افغانستان در اعتراف به مرگ الظواهری و همچنین به دلیل چالش های "دینی و عملیاتی"، رهبری عادل و محل اقامت وی نمی تواند رسماً توسط القاعده اعلام شود.

اکثر رهبران ارشد و مدیران عملیاتی القاعده از کهنه سربازانی بودند که در دهه ۱۹۸۰ علیه تهاجم شوروی به افغانستان، جنگیدند. اسامه بن لادن و معاون او، ایمن الظواهری، رهبرانی بودند که فرماندهان عملیاتی سازمان به شمار می رفتند. با این وجود، القاعده از نظر عملیاتی توسط ایمن الظواهری اداره نمی شد. چندین گروه عملیاتی وجود دارد که در مواقعی که حملات در حال آماده سازی هستند، با رهبری مشورت می کنند. ظواهری ادعا نمی کند که کنترل سلسله مراتبی مستقیمی بر ساختار شبکه ای و گسترده القاعده دارد. رهبری اصلی القاعده به دنبال متمرکز کردن پیام رسانی و استراتژی سازمان به جای مدیریت عملیات روزانه گروه های کوچک وابسته و مرتبط با آن است. اما وابستگان رسمی موظفند قبل از انجام حملات در مقیاس بزرگ با رهبری اصلی القاعده مشورت کنند. "القاعده مرکزی (AQC) مجموعه ای از کمیته های خبره است که هر کدام بر وظایف و اهداف مجزا نظارت دارند. اعضای آن بیشتر از رهبران اسلامگرای مصری تشکیل شده است که در جهاد ضد کمونیستی افغانستان شرکت داشتند. صدها نفر از نیروهای میدانی و فرماندهان اسلامی مستقر در مناطق مختلف جهان اسلام به آنها کمک می کنند. رهبری مرکزی کنترل رویکرد اعتقادی و مبارزات تبلیغاتی کلی را به عهده می گیرد. در حالی که فرماندهان منطقه از استقلال در استراتژی نظامی و مانور سیاسی برخوردار بودند. این سلسله مراتب جدید این امکان را برای سازمان فراهم کرد که حملات گسترده ای را انجام دهد.

هنگامی که در سال ۲۰۰۵ از، سر ایان بلر، کمیسر پلیس متروپولیتن، درباره احتمال ارتباط القاعده با بمب گذاری های ۷ ژوئیه ۲۰۰۵ لندن سؤال شد، گفت: "القاعده یک سازمان نیست. القاعده یک روش کار است... اما این (بمب گذاری) نشان همان رویکرد است... القاعده به وضوح توانایی ارائه آموزش... ارائه تخصص... و من فکر می کنم این چیزی است که رخ داده است." در ۱۳ اوت ۲۰۰۵، روزنامه ایندپندنت گزارش داد که بمب گذاران ۷ ژوئیه مستقل از مغز متفکر القاعده عمل کرده اند.

ناصر البحری، که به مدت چهار سال محافظ اسامه بن لادن در آستانه ۱۱ سپتامبر بود، در خاطرات خود شرح مفصلی از نحوه عملکرد این گروه در آن زمان نوشت. البحری ساختار اداری رسمی و زرادخانه گسترده القاعده را توصیف کرد. با این حال، نویسنده آدام کورتیس استدلال کرد که ایده القاعده به عنوان یک سازمان رسمی در درجه اول یک **اختراع آمریکایی** است. کورتیس ادعا کرد که نام "القاعده" برای اولین بار در محاکمه بن لادن و چهار مرد متهم به بمب گذاری سفارت ایالات متحده در سال ۱۹۹۸ در شرق آفریقا در سال ۲۰۰۱ مورد توجه عموم قرار گرفت. کورتیس نوشت:

واقعیت این بود که بن لادن و ایمن ال ظواهری به کانونی از شبه نظامیان اسلامگرای سرخورده تبدیل شده بود که جذب استراتژی جدید شده بودند. اما هیچ سازمانی وجود نداشت. اینها شبه نظامیانی بودند که عمدتاً عملیات خود را برنامه ریزی می کردند و به بن لادن برای کمک مالی و کمک های دیگر نگاه می کردند. او فرمانده آنها نبود. همچنین هیچ مدرکی مبنی بر استفاده بن لادن از واژه «القاعده» برای اشاره به نام گروهی وجود ندارد تا اینکه پس از حملات ۱۱ سپتامبر، او متوجه شد این اصطلاحی است که آمریکایی ها به گروه وی داده اند.

در طول محاکمه سال ۲۰۰۱، وزارت دادگستری ایالات متحده باید نشان می داد که بن لادن رهبر یک سازمان جنایتکار است تا او را به صورت غیابی تحت قانون سازمان های ذی نفوذ و فاسد قاچاقچی متهم کند. نام سازمان و جزئیات ساختار آن در شهادت جمال الفضل ارائه شد که گفت او یکی از بنیانگذاران گروه و کارمند سابق بن لادن بود. سؤالاتی در مورد اعتبار شهادت الفضل توسط تعدادی از منابع به دلیل سابقه عدم صداقت وی و به دلیل اینکه وی پس از محکوم شدن به توطئه

برای حمله به مؤسسات نظامی ایالات متحده، آن را به عنوان بخشی از توافقنامه دادخواست ارائه می کرد، مطرح شده است. سام اشمیت، وکیل مدافع که از الفضل دفاع کرد، گفت:

"بخش های گزینشی از شهادت الفضل وجود داشت که به اعتقاد من نادرست بود او به آمریکایی ها کمک کرد تا تصویری واحد ارائه دهند. من فکر می کنم او در تعدادی از شهادت های خاص در مورد تصویری یکپارچه از آنچه این سازمان بود دروغ گفته است. القاعده را به مافیای جدید یا کمونیست های جدید تبدیل کرد. این امر آنها را به عنوان یک گروه قابل شناسایی کرد و بنابراین محاکمه هر فرد مرتبط با القاعده را برای هر گونه عمل یا اظهارات بن لادن آسانتر کرد."

عوامل میدانی



حمید میر روزنامه نگار پاکستانی در حال مصاحبه با اسامه بن لادن در افغانستان، ۱۹۹۷

تعداد افراد این گروه که آموزش های نظامی مناسبی را دیده اند و قادر به فرماندهی نیروهای شورشی هستند، تا حد زیادی ناشناخته است. اسناد به دست آمده در یورش به محوطه بن لادن در سال ۲۰۱۱ نشان می دهد که اعضای اصلی القاعده در سال ۲۰۰۲، ۱۷۰ نفر بودند. در سال ۲۰۰۶، تخمین زده شد که القاعده چندین هزار فرمانده در ۴۰ کشور جهان دارد. از سال ۲۰۰۹، اعتقاد بر این بود که بیش از ۲۰۰-۳۰۰ عضو هنوز فرماندهان فعال بودند.

بر اساس مستند بی بی سی «قدرت کابوس ها» در سال ۲۰۰۴، القاعده آنقدر ضعیف با هم در ارتباط بودند که به سختی می توان گفت جدا از بن لادن و گروه کوچکی از نزدیکانش ماهیت وجودی دارد. فقدان تعداد قابل توجهی از اعضای محکوم القاعده، علیرغم تعداد زیادی دستگیری به اتهام تروریسم، توسط این مستند به عنوان دلیلی برای تردید در وجود یک نهاد گسترده که مطابق با توصیف القاعده باشد ذکر شده است. فرماندهان القاعده و همچنین عوامل خفته آن تا به امروز در نقاط مختلف جهان پنهان شده اند. آنها عمدتاً توسط سرویس های مخفی آمریکا و اسرائیل شکار می شوند.

نیروهای شورشی

به گفته رابرت کسیدی، نویسنده، القاعده دو نیروی جداگانه دارد که در کنار شورشیان در عراق و پاکستان مستقر هستند. اولین آنها، که تعداد آنها به ده ها هزار نفر می رسد، در جنگ شوروی-افغانستان "به عنوان نیروهای جنگی شورشی سازماندهی، آموزش دیده و تجهیز شده بودند". این نیرو عمدتاً از مجاهدین خارجی از عربستان سعودی و یمن تشکیل شده بود. بسیاری از این مبارزان برای جهاد جهانی در بوسنی و سومالی جنگیدند. گروه دیگری که در سال ۲۰۰۶ به ۱۰۰۰۰ نفر می رسید، در غرب زندگی می کنند و آموزش های ابتدایی رزمی را دیده اند.

تحلیلگران دیگر رتبه و گروه القاعده را به عنوان "عمدتاً عرب" در سال های اول فعالیت آن توصیف کرده اند، اما این سازمان از سال ۲۰۰۷ شامل "مردم دیگر" نیز می شود. تخمین زده شده است که ۶۲ درصد از اعضای القاعده تحصیلات دانشگاهی دارند. در سال ۲۰۱۱ و سال بعد، آمریکایی ها با موفقیت با اسامه بن لادن، انور العولقی، رئیس تبلیغات سازمان و معاون فرمانده ابو یحیی اللیبی تسویه حساب کردند. صداهای خوشبین از قبل می گفتند که برای القاعده تمام شده است. با این وجود، در همین زمان بود که بهار عربی به منطقه خوش آمد گفت، آشفتگی آن به نیروهای منطقه ای القاعده رسید. هفت سال بعد، ایمن الظواهری بدون تردید رهبر شماره یک سازمان شد و استراتژی خود را با ثبات سیستماتیک اجرا کرد. ده ها هزار نفر وفادار به القاعده و سازمان های مرتبط توانستند ثبات محلی و منطقه ای را به چالش بکشند و بی رحمانه به دشمنان خود در خاورمیانه، آفریقا، آسیای جنوبی، آسیای جنوب شرقی، اروپا و روسیه حمله کنند. در واقع، از شمال غرب آفریقا تا جنوب آسیا، القاعده بیش از یک دوجین متحد «مبتنی بر حق امتیاز» (گروه های مستقلی که اجازه داشتند از نام القاعده استفاده کنند) داشت. تعداد شبه نظامیان القاعده تنها در سوریه ۲۰۰۰۰ نفر تعیین شده بود و آنها ۴۰۰۰ نفر در یمن و حدود ۷۰۰۰ نفر در سومالی داشتند. جنگ تمام نشده بود.

در سال ۲۰۰۱، القاعده حدود ۲۰ هسته فعال و ۷۰۰۰۰ شورشی در شصت کشور داشت. طبق آخرین برآوردها، تعداد سربازان فعال تحت فرماندهی و شبه نظامیان متحد آن تا سال ۲۰۱۸ به حدود ۲۵۰۰۰۰ افزایش یافته است.

تامین مالی

القاعده معمولاً بودجه ای را برای حملات اختصاص نمی دهد و به ندرت حواله های بانکی انجام می دهد. در دهه ۱۹۹۰، تأمین مالی تا حدی از ثروت شخصی اسامه بن لادن تأمین می شد. سایر منابع درآمد شامل تجارت هروئین و کمک های مالی از طرف حامیان کویت، عربستان سعودی و سایر کشورهای خلیج فارس بود. یک تلگراف دیپلماتیک فاش شده در سال ۲۰۰۹ بیان کرد که "تامین مالی تروریسم از عربستان سعودی همچنان یک نگرانی جدی است."

یکی از اولین شواهد در مورد حمایت عربستان سعودی از القاعده، به اصطلاح "زنجیره طلایی" بود، فهرستی از سرمایه گذاران اولیه القاعده که طی یورش سال ۲۰۰۲ در سارایوو توسط پلیس بوسنی کشف شد. فهرست دست نوشته توسط جمال الفضل، جدا شده از القاعده تأیید شد و شامل نام اهداکنندگان و ذینفعان بود. نام اسامه بن لادن هفت بار در میان ذینفعان ظاهر شد، در حالی که ۲۰ تاجر و سیاستمدار سعودی و ساکن خلیج فارس در میان اهداکنندگان ذکر شدند. اهداکنندگان برجسته شامل عادل باترجی و وائل حمزه جولایدان بودند. Batterjee در سال ۲۰۰۴ توسط وزارت خزانه داری ایالات متحده به عنوان تامین کننده مالی تروریسم تعیین شد و جولایدان به عنوان یکی از

بنیانگذاران القاعده شناخته می شود. (این فهرست شامل بیست و پنج نام بود که بیست نفر از آنها افراد بسیار ثروتمند سعودی و حامیان مالی کشورهای خلیج فارس از جمله بانکداران، بازرگانان و وزرای سابق بودند. بخشی از این فهرست شامل یک فایل کامپیوتری با عنوان "تارخ اسامه" یا "تاریخ اسامه" است، اما نام "زنجیره طلایی" خود به خاطر جمال الفضل جدا شده

از القاعده است که صحت آن را تضمین کرده است. این فایل رایانه ای حاوی عکس هایی از تولد و روزهای اولیه القاعده و همچنین نامه ها و اسنادی بود که برخی به دست خط بن لادن بودند. در مواد ضبط شده، سوابقی از طرح های فعالیت های القاعده و ساختار سازمانی و بنیادهای عملیاتی آن یافت شد. اعتقاد بر این است که اینها توسط بن لادن و مربی او شیخ عبدالله عزام تهیه شده است. آنها همچنین فهرستی از ۲۰ ثروت سالار عرب به نام «زنجره طلایی» را پیدا کردند که مظنون به تأمین مالی تروریسم بین المللی از جمله القاعده بودند. نگهداری اطلاعات محرمانه به انعام ارنعوت، معتمد بن لادن سپرده شد، او متقاعد شده بود که اسناد در امن ترین مکان در دفتر بنیاد بین المللی خیریه ساریوو قرار دارد. در جریان بازرسی دفاتر بنیاد بین المللی خیریه در ساریوو، سازمان های مجری قانون مربوطه شواهد روشنی از ارتباط بین رئیس این دفتر، انعام ارنعوت، و اسامه بن لادن، و تبعیت "مبارزانه" بین این دو و اتهامات پیدا کردند. علیه ارنعوت آورده شدند بیشتر گزارش ها مبهم هستند که سند زنجره طلایی در چه سالی نوشته شده است. برخی می گویند ۱۹۸۸، اما ریچارد آ. کلارک، مشاور ضد تروریسم ایالات متحده می گوید که تاریخ آن به سال ۱۹۸۹ باز می گردد. «زنجره طلایی» توسط دولت ایالات متحده در پرونده جنایی ایالات متحده علیه آرناوت که در ۲۹ ژانویه ۲۰۰۳ تشکیل شده بود، ارائه شد. در سایر پرونده های حقوقی دولت آمریکا هرگز سند کامل را به طور علنی منتشر نکرده است و بنابراین فهرست کامل اسامی موضوعی مبتنی بر حدس و گمان است. در سال ۲۰۰۳، وال استریت ژورنال گزارش داد که اسامی شامل "بانکداران میلیاردر، صالح کامل و خالد بن محفوظ، و همچنین خانواده الراجهی، یک خانواده بانکی دیگر، و برادران خود آقای بن لادن" می شود. نشست ۱۱ اوت ۱۹۸۸ تأیید کرد که بن لادن جنبش جهادی خود را در آن زمان آغاز کرده بود. بن لادن تصمیم گرفت اعضا را جذب کند و از عربستان سعودی کمک مالی بگیرد. برای انجام جنگ جهادی خود، او مجبور شد از ثروتمندان خلیج فارس، «زنجره طلایی» برای تأمین مالی القاعده کمک بگیرد.

اسناد به دست آمده در حمله سال ۲۰۰۲ بوسنی نشان داد که القاعده به طور گسترده از مؤسسات خیریه برای انتقال حمایت های مالی و مادی به عوامل خود در سراسر جهان استفاده می کند. قابل ذکر است که این فعالیت از سازمان بین المللی امداد اسلامی (IIRO) و اتحادیه جهانی مسلمانان (MWL) بهره برداری می کرد. IRO با همکاران القاعده در سراسر جهان از جمله ایمن الظواهری معاون القاعده ارتباط داشت. برادر ظواهری برای IRO در آلبانی کار می کرد و به طور فعال از طرف القاعده استخدام می کرد. MWL آشکارا توسط رهبر القاعده به عنوان یکی از سه مؤسسه خیریه القاعده که اساساً برای منابع مالی به آن تکیه می کرد، شناسایی شد.

ادعای حمایت قطر

چندین شهروند قطری به حمایت مالی از القاعده متهم شده اند. این شامل عبدالرحمن النعیمی، یک شهروند قطری و یک فعال حقوق بشر است که سازمان غیردولتی (NGO) Alkarama (مستقر در سوئیس را تأسیس کرد. در ۱۸ دسامبر ۲۰۱۳، وزارت خزانه داری ایالات متحده نعیمی را به دلیل فعالیت هایش در حمایت از القاعده به عنوان تروریست معرفی کرد. وزارت خزانه داری ایالات متحده گفته است که نعیمی "حمایت مالی قابل توجهی از القاعده در عراق را تسهیل کرده است و به عنوان یک گفتگو بین القاعده در عراق و کمک کنندگان مستقر در قطر عمل کرده است".

نعیمی به نظارت بر انتقال ماهیانه ۲ میلیون دلار به القاعده در عراق به عنوان بخشی از نقش او به عنوان میانجی بین افسران ارشد القاعده مستقر در عراق و شهروندان قطری متهم شد. نعیمی ظاهراً با ابو خالد السوری، فرستاده ارشد القاعده در سوریه، که در سال ۲۰۱۳ مبلغ ۶۰۰۰۰۰ دلار به القاعده انتقال داده بود، رابطه داشت. نعیمی همچنین با عبدالوهاب محمد عبدالرحمن الحمیقانی، سیاستمدار یمنی و یکی از اعضای بنیانگذار الکراما، که در سال ۲۰۱۳ توسط خزانه داری ایالات متحده در فهرست تروریست های ویژه جهانی تعیین شده (SDGT) قرار گرفت، مرتبط است. مقامات ایالات متحده ادعا کردند که حمیقانی از نقش خود در الکراما برای جمع آوری کمک های مالی به نمایندگی از القاعده در شبه جزیره عربستان (AQAP) سوء استفاده کرده است. همچنین گزارش شده است نعیمی که یکی از چهره های برجسته AQAP است، جریان کمک مالی به شرکت های وابسته به AQAP مستقر در یمن را تسهیل کرده است. نعیمی همچنین متهم به سرمایه گذاری

در موسسه خیریه حمیقانی برای تامین مالی نهایی AQAP بود. حدود ده ماه پس از تحریم توسط وزارت خزانه داری ایالات متحده، نعیمی نیز از انجام تجارت در بریتانیا منع شد.

یکی دیگر از شهروندان قطری، خلیفه محمد ترکی سوبی، در ۵ ژوئن ۲۰۰۸ توسط خزانه داری ایالات متحده به دلیل فعالیت هایش به عنوان "تامین مالی القاعده مستقر در خلیج فارس" تحریم شد. نام سوبی در سال ۲۰۰۸ به اتهام حمایت مالی و مادی از رهبری ارشد القاعده به فهرست تحریم های شورای امنیت سازمان ملل اضافه شد. ظاهراً سوبی، نیروهای القاعده را به اردوگاه های آموزشی مستقر در جنوب آسیا منتقل کرده است. او همچنین از خالد شیخ محمد، یک تبعه پاکستانی و افسر ارشد القاعده که بر اساس گزارش کمیسیون ۱۱ سپتامبر، مغز متفکر حمله ۱۱ سپتامبر است، حمایت مالی کرد.

قطری ها از طریق بزرگترین سازمان غیردولتی کشور، موسسه خیریه قطر، از القاعده حمایت کردند. الفضل، جدا شده از القاعده، که یکی از اعضای سابق خیریه قطر بود، در دادگاه شهادت داد عبدالله محمد یوسف، که به عنوان مدیر خیریه قطر خدمت می کرد، به القاعده و همزمان به جبهه ملی اسلامی وابسته بود، یک گروه سیاسی که به اسامه بن لادن رهبر القاعده در اوایل دهه ۱۹۹۰ بندرگاه در سودان داد.

ادعا شد که در سال ۱۹۹۳ اسامه بن لادن از موسسات خیریه سنی مستقر در خاورمیانه برای هدایت مالی به عوامل القاعده در خارج از کشور استفاده می کرد. همین اسناد همچنین از شکایت بن لادن مبنی بر ترور نافرجام گزارش می دهد. مبارزه با حسنی مبارک، رئیس جمهور مصر، توانایی القاعده برای بهره برداری از مؤسسات خیریه برای حمایت از عوامل خود را در حدی که قبل از سال ۱۹۹۵ می توانست، به خطر انداخته بود.

قطر شرکت های القاعده را از طریق **جبهه النصره** وابسته سابق القاعده در سوریه تامین مالی کرد. این بودجه عمدتاً از طریق آدم ربایی برای باج خواهی تامین می شد. کنسرسیوم علیه تامین مالی تروریسم (CATF) گزارش داد که این کشور خلیج فارس از سال ۲۰۱۳ از النصره حمایت مالی کرده است. در سال ۲۰۱۷، الشرق الاوسط تخمین زد که قطر ۲۵ میلیون دلار برای حمایت از النصره از طریق آدم ربایی برای باج پرداخت کرده است. علاوه بر این، قطر کمپین های جمع آوری کمک های مالی را به نمایندگی از النصره راه اندازی کرده است. النصره یک کمپین تحت حمایت قطر را "به عنوان یکی از مجاری ارجح برای کمک های مالی در نظر گرفته شده برای گروه" تصدیق کرد.

استراتژی

اینکه بن لادن اصولاً دارای استراتژی سیاسی جامع و آینده نگری بوده است محل تردید است اودوسال باحمایت آمریکا و عربستان بارسوها جنگید و آنها را از افغانستان بیرون انداخت اما نتوانست با آمریکا و عربستان حامیان قدیمی اش به تفاهم برسد و حداقل افغانستان را به درستی اداره کند.

بن لادن منشا نام القاعده را در یک مصاحبه ویدیویی با تیسیر علونی، روزنامه نگار الجزیره در اکتبر ۲۰۰۱ توضیح داد:

« نام "القاعده" مدتها پیش و به طور تصادفی ایجاد شد. مرحوم ابو عبیده البنشیری اردوگاه های آموزشی مجاهدین ما را علیه تروریسم روسیه ایجاد کرد. اردوگاه آموزشی را القاعده می نامیدیم. نام ماند.»

استدلال شده است که دو سند ضبط شده از دفتر بنیاد بین المللی نیکوکاری ساریوو ثابت می کند که این نام صرفاً توسط جنبش مجاهدین انتخاب نشده است و گروهی به نام القاعده در اوت ۱۹۸۸ تأسیس شده است. هر دوی این اسناد حاوی صورتجلسه جلسات هستند. برای ایجاد یک گروه نظامی جدید برگزار شد و اصطلاح "القاعده" را در بر داشت.

رابین کوک، وزیر خارجه سابق بریتانیا، نوشت که کلمه القاعده باید به عنوان «پایگاه داده» ترجمه شود، زیرا در اصل به پرونده رایانه ای هزاران شبه نظامی مجاهدی اشاره دارد که با کمک سیا برای شکست دادن روس ها استخدام و آموزش دیده بودند. در آوریل ۲۰۰۲، این گروه نام قائده الجهاد (قاعدة الجهاد قائدات الجهاد) را به خود گرفت که به معنای "پایگاه جهاد" است. به گفته دیا رشوان، این امر ظاهراً در نتیجه ادغام شاخه برون مرزی الجهاد مصر، که توسط ایمن الظواهری رهبری می شد، با گروه هایی بود که بن لادن اواسط دهه ۱۹۹۰ پس از بازگشت به افغانستان تحت کنترل خود درآورد.."

رهبرانی که میراث بن لادن را به ارث بردند هر کدام دست به اقداماتی زندو دیگری نیز بودند که از این اقدامات سود بردند یا متضرر شدند. اما بخشی از آنچه واقعا انجام شد را به طور خلاصه می توان ارائه داد:

انجام یک حمله گسترده در خاک ایالات متحده که منجر به تلفات گسترده غیرنظامیان شد، در نتیجه ایالات متحده و غرب حمله به یک کشور مسلمان کردند. (افغانستان) مقاومت محلی در برابر نیروهای اشغالگر برانگیخته شد.

درگیری به کشورهای دیگر منطقه گسترش داده شد (عراق و سوریه) و ایالات متحده و متحدانش رسماً در منطقه حضور نظامی پیدا کردند. اگرچه غرب درگیر یک جنگ فرسایشی طولانی شد اما منابع معدنی منطقه به یغما رفت افغانستان و عراق و سوریه و ایران شدند. وجود اسرائیل و آمریکا در منطقه خلیج فارس، در نزد جهانیان مشروع جلوه داده شد. حکومت های مستبد منطقه در جایگاه خود تثبیت شدند.

متأسفانه بسیاری از اندیشمندان در کشورهای اسلامی همسو با پدید آوردن القاعده سعی در ساختن یک استراتژی برای این گروه های پوپولیستی به ظاهر اسلامی را دارند مثلاً:

به گفته فواد حسین، روزنامه نگار و نویسنده اردنی که مدتی را با الزرقاوی در زندان گذرانده است، استراتژی القاعده شامل هفت مرحله است و شبیه به طرحی است که در استراتژی القاعده تا سال ۲۰۲۰ توضیح داده شده است. این مراحل عبارتند از:

"بیداری". این مرحله قرار بود از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۳ ادامه یابد. هدف این مرحله تحریک ایالات متحده برای حمله به یک کشور مسلمان با انجام حمله ای است که باعث کشته شدن بسیاری از غیرنظامیان در خاک ایالات متحده می شود.

"باز کردن چشم ها". این مرحله قرار بود از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ ادامه یابد. هدف از این مرحله جذب مردان جوان برای هدف و تبدیل گروه القاعده به یک جنبش بود. قرار بود عراق با حمایت مالی و نظامی از پایگاه های سایر کشورها به مرکز همه عملیات ها تبدیل شود.

"برخاستن و ایستادن" قرار بود از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۰ ادامه یابد. در این مرحله، القاعده می‌خواست حملات بیشتری را انجام دهد و توجه خود را به سوریه متمرکز کند. حسین معتقد بود کشورهای دیگر در شبه جزیره عربستان نیز در خطر هستند.

القاعده به دلیل کاهش قدرت رژیم‌ها در شبه جزیره عربستان، انتظار رشد مداوم در میان صفوف و مناطق خود را داشت. قرار بود تمرکز اصلی حمله در این مرحله بر تامین‌کنندگان نفت و تروریسم سایبری باشد و اقتصاد و زیرساخت‌های نظامی آمریکا را هدف قرار دهد.

اعلام خلافت اسلامی که بین سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۶ پیش‌بینی شده بود. در این مرحله، القاعده انتظار داشت مقاومت اسرائیل به شدت کاهش یابد.

اعلام «ارتش اسلامی» و «مبارزه بین مؤمنان و غیر مؤمنان» که «مقابله کامل» نیز نامیده می‌شود.

"پیروزی قطعی" که پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۲۰ تکمیل شود.

بر اساس استراتژی هفت مرحله‌ای، پیش‌بینی می‌شود که جنگ کمتر از دو سال طول بکشد.

این نویسنده اردنی که کشورش سالهاست همراه و همگام آمریکا است پایه‌های استراتژی القاعده را چنان می‌بیند که مسئولیت آمریکا و متحدان آن به زیر صفر برسد درحالی که ایالات متحده و هم‌پیمانانش نه تنها القاعده را ایجاد کردند بلکه سالها با آن در خاورمیانه رقصیدند.

به گفته چارلز لیستر از مؤسسه خاورمیانه و کاترین زیمرمن از مؤسسه امریکن اینترپرایز، مدل جدید القاعده «اجتماعی کردن جوامع» و ایجاد یک پایگاه عملیاتی وسیع سرزمینی با حمایت جوامع محلی و همچنین کسب درآمد مستقل است. (به نظرمی رسد توانایی محققان آمریکایی برای دیدن واقعیت‌های بیشتر است)

مفهوم اعتقادی "القاعده" برای اولین بار توسط محقق اسلام‌گرای فلسطینی و رهبر جهادی عبدالله عزام در شماره آوریل ۱۹۸۸ مجله الجهاد برای توصیف پیشاهنگ متعهد مذهبی از مسلمانان که جهاد مسلحانه در سطح جهانی برای رهایی مسلمانان مظلوم از دست متجاوزان خارجی، ابداع شد، که شریعت (حقوق اسلامی) را در سراسر جهان اسلام با براندازی حاکمیت دولت‌های سکولار؛ برقرار می‌کنند و بدین ترتیب اقتدار اسلامی گذشته را بازمی‌گردانند. این باید با ایجاد یک دولت اسلامی که نسل‌هایی از سربازان مسلمان را پرورش دهد که دائماً به ایالات متحده و دولت‌های متحدش در جهان اسلام حمله می‌کنند، اجرا شود. الگوهای تاریخی متعددی توسط عزام به عنوان نمونه‌های موفق دعوت او ذکر شد. شروع از فتوحات اولیه مسلمانان در قرن هفتم تا جهاد اخیر ضد شوروی افغانستان در دهه ۱۹۸۰. بر اساس جهان‌بینی عزام:

زمان آن فرا رسیده است که به دولتی فکر کنیم که پایگاهی محکم برای توزیع عقیده (اسلامی) و دژی برای میزبانی واعظان جهنم جاهلیت [دوره جاهلیت] باشد.



سید قطب (۱۹۰۶-۱۹۶۶)، محقق مصری و نظریه‌پرداز جهادی که الهام‌بخش القاعده بود.

جنبش پان اسلامیستی ستیزه جوی القاعده در بحبوحه ظهور جنبش های احیاگر اسلامی و جهادی پس از انقلاب ایران (۱۹۷۸-۱۹۷۹) و در طول جهاد افغانستان (۱۹۷۹-۱۹۸۹) توسعه یافت. نوشته‌های سید قطب، محقق اسلام‌گرا و ایدئولوگ انقلابی مصر، به شدت الهام‌بخش رهبران بنیان‌گذار القاعده بود. در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، قطب تبلیغ کرد که به دلیل فقدان قوانین شرعی، جهان اسلام دیگر مسلمان نیست و به جاهلیت پیش از اسلام بازگشته است. برای احیای اسلام، قطب استدلال کرد که برای ایجاد «دولت‌های اسلامی واقعی»، اجرای شریعت، و خلاصی جهان اسلام از هرگونه تأثیرات غیر اسلامی، به پیشاهنگی از مسلمانان عادل نیاز است. از نظر قطب، دشمنان اسلام «یهود جهانی» بودند که «توطئه می‌کشیدند» و با اسلام مخالفت می‌کردند. قطب این پیشتاز را تصور می‌کرد که پس از پاکسازی از جوامع جاهلی و سازماندهی خود تحت رهبری صالح اسلامی، برای جهاد مسلحانه علیه رژیم های ظالم پیشروی میکند. که او الگوی آن را، مسلمانان اولیه در دولت اسلامی مدینه تحت رهبری پیامبر اسلام حضرت محمد (ص) می‌دانست. این ایده مستقیماً بر بسیاری از شخصیت های اسلام گرا مانند عبدالله عزام و اسامه بن لادن تأثیر گذاشت. و به دلیل اصلی تدوین مفهوم «القاعده» در آینده تبدیل شد. قطب با تشریح استراتژی خود برای سرنگونی نظم‌های سکولار موجود، در مایلستونز استدلال کرد:

[لازم است] جماعتی مسلمان به وجود آید که معتقد به «لا اله الا الله» باشد که خود را متعهد می‌داند که جز خدا را اطاعت نکند و همه اختیارات دیگر را انکار کند و قانونی بودن هر قانونی را به چالش بکشد. بر اساس این باور باید با این عزم به میدان نبرد بیاید که استراتژی، سازمان اجتماعی و روابط بین افرادش باید از نظام جاهلی موجود محکمتر و قدرتمندتر باشد.

به قول محمد جمال خلیفه، یکی از دوستان نزدیک بن لادن:

اسلام با هر دین دیگری فرق دارد؛ این یک روش زندگی است ما [خلیفه و بن لادن] در تلاش بودیم بفهمیم که اسلام در مورد اینکه چگونه غذا می‌خوریم، با چه کسی ازدواج می‌کنیم، چگونه صحبت می‌کنیم، چه می‌گوید. سید قطب را خواندیم. او بیشترین تأثیر را بر نسل ما گذاشت.

قطب بر ایمن‌الظواهری نیز تأثیر گذاشت. دایی ظواهری، مفوض عزام، شاگرد قطب، وکیل شخصی، و مجری اموال او بود. عزام یکی از آخرین افرادی بود که قبل از اعدام قطب را زنده دید. ظواهری در اثر خود «شوالیه‌های زیر پرچم پیامبر» به قطب ادای احترام کرد.

قطب استدلال کرد که بسیاری از مسلمانان، مسلمان واقعی نیستند. قطب استدلال کرد که برخی از مسلمانان مرتد اند. این مرتدین مدعی شامل رهبران کشورهای مسلمان می‌شدند، زیرا نتوانستند قوانین شریعت را اجرا کنند. او همچنین مدعی شد که علیرغم افول ارزش‌های دینی در قرن بیستم در اروپا، غرب با "روح صلیبی" به جهان اسلام نزدیک می‌شود. به گفته قطب؛ نگرش‌های خصمانه و امپریالیستی اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها نسبت به کشورهای مسلمان، حمایت آن‌ها از صهیونیسم و غیره نشان‌دهنده تنفیری بود که طی هزاران جنگ‌هایی مانند جنگ‌های صلیبی تشدید شد و برخاسته از دیدگاه‌های ماتریالیستی و سودگرایی رومی بود که جهان را از منظر مالی می‌نگرد.

تشکیل

جهاد افغانستان علیه دولت طرفدار شوروی، جنبش جهادی سلفی را که الهام‌بخش القاعده بود، توسعه داد. در این دوره، القاعده آرمان‌های احیاگر مبارز مسلمان هندی، سید احمد بارلوی (متوفی ۱۸۳۱) را پذیرفت که در اوایل قرن نوزدهم از مرزهای افغانستان و خیبر پختونخوا، جنبش جهادی را علیه هند بریتانیا رهبری کرد. القاعده به آسانی آموزه‌های سید احمد مانند بازگشت به خلوص نسل‌های اولیه (سلف الصالح)، ضدیت با نفوذ غرب و احیای قدرت سیاسی اسلامی را پذیرفت. به گفته حسین حقانی، روزنامه‌نگار پاکستانی، احیای ایدئولوژی جهاد توسط سید احمد به نمونه اولیه جنبش‌های پیکارجوی اسلامی بعدی در آسیای جنوبی و مرکزی تبدیل شد و همچنین تأثیر اصلی بر شبکه جهاد القاعده و گروه‌های مرتبط با آن در منطقه است.

اهداف

هدف بلندمدت القاعده اتحاد جهان اسلام تحت یک دولت اسلامی فراملی به نام خلافت (خلافت) است که در رأس آن خلیفه‌ای منتخب از نسل اهل بیت (خاندان محمد) قرار دارد. اهداف فوری شامل اخراج نیروهای آمریکایی از شبه جزیره عربستان، جهاد مسلحانه برای سرنگونی دولت‌های متحد آمریکا در منطقه و غیره است.

اهداف و برخی از سیاست‌های کلی که در منشور تأسیس القاعده «ساختار و آیین‌نامه القاعده» در نشست‌های پیشاور در سال ۱۹۸۸ صادر شد، به شرح زیر است:

" اهداف کلی من ارتقاء آگاهی جهادی در جهان اسلام

ii آماده سازی و تجهیز کادرهای جهان اسلام از طریق آموزش و شرکت در رزم واقعی

III. حمایت هر چه بیشتر از نهضت جهادی

IV هماهنگ کردن جنبش‌های جهادی در سراسر جهان در تلاش برای ایجاد یک جنبش بین‌المللی جهاد.

سیاست های کلی

1. التزام کامل به احکام و مقررات حاکم شرع در تمام عقاید و اعمال و بر اساس کتاب [قرآن] و سنت و نیز به تعبیر علمای امت که در این حوزه خدمت می کنند.

2. التزام به جهاد به عنوان مبارزه در راه خدا و به عنوان دستور کار تغییر و آماده شدن برای آن و اعمال آن در هر زمان که ممکن است.

4. موضع ما در قبال ظالمان دنیا و احزاب سکولار و ملی و امثال آن این است که تا زمانی که به خدا ایمان نیاورند، با آنها همنشینی نکنیم و آنها را بدنام نکنیم و دشمن همیشگی آنها نباشیم. ما با آنها بر سر راه حل های نیمه توافق نخواهیم کرد و هیچ راهی برای مذاکره با آنها یا ممانعت با آنها وجود ندارد.

5. روابط ما با جنبش ها و گروه های راستین جهادی اسلامی همکاری زیر چتر ایمان و اعتقاد است و همواره در اتحاد و همگرایی با آنها تلاش خواهیم کرد...

6. با نهضت های اسلامی که با جهاد همسو نیستند رابطه عشق و محبت برقرار خواهیم کرد...

7. ما با علمای فعال رابطه احترام و محبت را حفظ خواهیم کرد...

9. ما متعصبان منطقه را نفی خواهیم کرد و در صورت لزوم و در صورت امکان در یک کشور اسلامی جهاد خواهیم کرد.

10. ما به نقش مسلمانان در جهاد اهمیت می دهیم و برای جذب آنها تلاش خواهیم کرد...

11. ما استقلال اقتصادی خود را حفظ خواهیم کرد و برای تأمین منابع خود به دیگران متکی نخواهیم بود.

12. رازداری عنصر اصلی کار ماست به جز آنچه که نیاز به افشای آن ضروری است.

13. خط مشی ما با جهاد افغانستان، حمایت، مشاوره و هماهنگی با نهادهای اسلامی در عرصه های جهاد است به گونه ای که با سیاست های ما منطبق باشد.

- ساختار و آئین نامه القاعده، ص ۲،

نظریه دولت اسلامی

القاعده با آغاز یک جهاد جهانی علیه "اتحاد بین المللی یهودیان و صلیبی ها" به رهبری ایالات متحده که آن را "دشمن خارجی" می بیند، با الگوبرداری از خلافت راشدین در جهان عرب باهدف ایجاد یک دولت اسلامی است. علیه حکومت های سکولار در کشورهای مسلمان که به عنوان «دشمن مرتد داخلی» معرفی می شوند. هنگامی که نفوذ خارجی و مقامات سکولار حاکم از طریق جهاد از کشورهای مسلمان حذف شوند. القاعده از انتخابات برای انتخاب حاکمان کشورهای اسلامی پیشنهادی خود حمایت می کند. این کار باید از طریق نمایندگان شوراهای رهبری (شورا) انجام شود که اجرای شریعت (حقوق اسلامی) را تضمین کنند. با این حال، با انتخاباتی که پارلمان هایی را تشکیل می دهند که قانون گذاران مسلمان و غیرمسلمان را برای همکاری در وضع قوانین به انتخاب خود اختیار می دهند، مخالف است.

ایمن الظواهری در چاپ دوم کتاب شوالیه های زیر پرچم پیامبر می نویسد:

ما خواهان حکومت خلافت هدایت حق هستیم که بر اساس حاکمیت شرع و نه بر اساس هوس اکثریت ایجاد شده است. امتش حاکمانش را انتخاب می کند اگر منحرف شوند، امت آنها را به حساب می آورد و برکنار می کند. امت در تولید تصمیمات آن حکومت و تعیین جهت آن مشارکت دارد. ... [دولت خلیفه] امر به معروف و نهی از منکر می کند و برای آزادی سرزمین های اسلامی و رهایی همه بشریت از هر گونه ظلم و جهل به جهاد می پردازد.

نارضایتی ها

یک موضوع تکراری در ایدئولوژی القاعده، نارضایتی همیشگی از انقیاد خشونت آمیز مخالفان اسلامی توسط رژیم های مستبد و سکولاریست متحد غرب است. القاعده این دولت های پسااستعماری را به عنوان سیستمی تحت رهبری نخبگان غرب زده که برای پیشبرد استعمار نو و حفظ هژمونی غرب بر جهان اسلام طراحی شده است، محکوم می کند. برجسته ترین موضوع، نارضایتی در مورد سیاست خارجی آمریکا در جهان عرب است. به ویژه به دلیل حمایت قوی اقتصادی و نظامی آن از اسرائیل. سایر نگرانی هاو نارضایتی ها شامل حضور نیروهای ناتو برای حمایت از رژیم های متحد است. بی عدالتی هایی که علیه مسلمانان در کشمیر، چین، سین کیانگ، سوریه، افغانستان، عراق و غیره انجام شده است.

سازگاری مذهبی

عبدالباری عطوان نوشت:

در حالی که بستر کلامی خود رهبری اساساً سلفی است، چتر سازمان به اندازه ای گسترده است که مکاتب مختلف فکری و گرایش های سیاسی را در بر بگیرد. القاعده در میان اعضا و حامیان خود افراد مرتبط با وهابیت، شافعی گری، مالکی و حنفی گری را به حساب می آورد. حتی برخی از اعضای القاعده وجود دارند که عقاید و اعمالشان مستقیماً با سلفی گری در تضاد است، مانند یونس خالص، یکی از رهبران مجاهدین افغان. او عارفی بود که به زیارت قبور مقدسین می رفت و از آنها برکت می گرفت - اعمالی که با مکتب فکری وهابی-سلفی بن لادن مخالف بود. تنها استثنای این سیاست پان اسلامی، تشیع است. به نظر می رسد القاعده به شدت با آن مخالف است، زیرا تشیع را بدعت می داند. در عراق آشکارا به گردان های بدر که به طور کامل با ایالات متحده همکاری کرده

اند، اعلان جنگ کرده است و اکنون حتی غیرنظامیان شیعه را اهداف مشروع اعمال خشونت آمیز می داند.

از سوی دیگر، پروفیسور پیتر مانداول بیان می کند که القاعده سیاست عمل گرایانه ای را در شکل گیری شاخه های محلی خود دنبال می کند و هسته های مختلفی را به اعضای شیعه و غیرمسلمان واگذار می کند. زنجیره فرماندهی از بالا به پایین به این معنی است که هر واحد مستقیماً به رهبری مرکزی پاسخگو است، در حالی که آنها نسبت به حضور یا فعالیت های هم تایان خود ناآگاه می مانند. این شبکه های فراملی از زنجیره های تأمین خودمختار، تأمین کنندگان مالی، شبه نظامیان زیرزمینی و حامیان سیاسی در طول دهه ۱۹۹۰، زمانی که هدف فوری بن لادن اخراج نیروهای آمریکایی از شبه جزیره عربستان بود، راه اندازی شدند.

حملات به غیرنظامیان

تحت رهبری اسامه بن لادن و ایمن الظواهری، سازمان القاعده استراتژی هدف قرار دادن غیرنظامیان کشورهای دشمن را که به طور بی رویه به مسلمانان حمله می کردند، اتخاذ کرد. پس از حملات ۱۱ سپتامبر، القاعده توجیهی برای کشتار غیر نظامیان با عنوان «بیانیه ای از القاعده الجهاد در مورد مأموریت قهرمانان و قانونی بودن عملیات در نیویورک و واشنگتن» ارائه کرد. به گفته چند منتقد، Quintan Wiktorowicz و John Kaltner، این کتاب «توجیه الهیات زیادی برای کشتن غیرنظامیان در تقریباً هر موقعیت قابل تصویری» ارائه می کند.

از جمله این توجیهات این است که آمریکا در جنگ با اسلام غرب را رهبری می کند تا حمله به آمریکا دفاع از اسلام قلمداد شود و هرگونه معاهدات و قراردادهای بین کشورهای با اکثریت مسلمان و کشورهای غربی که در اثر حملات نقض شود، باطل می داند. طبق این تراکت، چندین شرط برای کشتن غیرنظامیان امکان پذیر است از جمله:

تلافی جنگ آمریکا علیه اسلام که القاعده ادعا می کند «زنان، کودکان و سالمندان مسلمان» را هدف قرار داده است.

هنگامی که تشخیص بین غیر جنگجویان و رزمندگان هنگام حمله به "قلعه" دشمن (hist) بسیار دشوار است یا افراد غیر جنگنده در قلمرو دشمن باقی می مانند، کشتن آنها مجاز است.

کسانی که "در عمل، گفتار، ذهن" به دشمن کمک می کنند، واجد شرایط کشتار هستند، و این شامل جمعیت عمومی در کشورهای دموکراتیک می شود، زیرا غیرنظامیان می توانند در انتخاباتی رای دهند که دشمنان اسلام را به قدرت برساند.

ضرورت کشتار در جنگ برای حفظ اسلام و مسلمین؛

از محمد در پاسخ به این سوال که آیا مبارزان مسلمان می توانند از منجنیق علیه روستای طائف استفاده کنند، با وجود اینکه جنگجویان دشمن با جمعیت غیرنظامی ترکیب شده بودند، پاسخ مثبت داد.

اگر زنان، کودکان و سایر گروه های حفاظت شده به عنوان سپر انسانی برای دشمن عمل کنند.

اگر دشمن عهدشکنی کرده باشد، کشتن غیرنظامیان جایز است..

تحت رهبری سیف العدل، استراتژی القاعده دستخوش دگرگونی شده و این سازمان رسماً تاکتیک حمله به اهداف غیرنظامی دشمنان را کنار گذاشته است. سیف العدل در کتاب خود با خواندن رایگان ۳۳ استراتژی جنگ که در سال ۲۰۲۳ منتشر شد، به مبارزان اسلامگرا توصیه کرد که حمله به نیروهای پلیس، سربازان نظامی، دارایی‌های دولتی دولتهای دشمن و غیره را در اولویت قرار دهند که او آنها را اهداف قابل قبولی در عملیات نظامی توصیف کرد. سیف العدل با بیان اینکه حمله به زنان و فرزندان دشمنان مغایر با شئون اسلامی است، گفت: «اگر ما عموم مردم را هدف قرار دهیم، چگونه می‌توانیم انتظار داشته باشیم که مردم آنها دعوت ما به اسلام را بپذیرند؟»

تاریخچه

حملات

برای راهنمای زمانی، جدول زمانی حملات القاعده را ببینید.

نایروبی، کنیا: ۷ اوت ۱۹۹۸

دارالسلام، تانزانیا: ۷ اوت ۱۹۹۸

عدن، یمن: ۱۲ اکتبر ۲۰۰۰

مرکز تجارت جهانی، ایالات متحده: ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱

پنتاگون، ایالات متحده: ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱

استانبول، ترکیه: ۱۵ و ۲۰ نوامبر ۲۰۰۳

القاعده در مجموع شش حمله بزرگ انجام داده است که چهار مورد از آنها در جهاد خود علیه آمریکا بوده است. در هر مورد، رهبری این حمله را از سال‌ها قبل برنامه‌ریزی کرده بود، و ترتیب ارسال سلاح و مواد منفجره را می‌داد و از کسب‌وکار خود برای تهیه انبارها و هویت‌های جعلی برای ماموران استفاده می‌کرد.

1991

برای جلوگیری از بازگشت محمد ظاهر شاه، پادشاه سابق افغانستان از تبعید و احتمالاً رئیس دولت جدید، بن لادن به یک مسلمان پرتغالی مسلمان، پائولو خوزه د آلمیدا سانتوس، دستور داد تا ظاهر شاه را ترور کند. سانتوس در ۴ نوامبر ۱۹۹۱ وارد ویلای پادشاه در رم شد و خود را به عنوان یک روزنامه‌نگار نشان داد و سعی کرد با خنجر به او ضربه بزند. یک حلبی‌سیگار در جیب سینه شاه تیغه را منحرف کرد و جان ظاهرشاه را نجات داد، اگرچه شاه نیز چندین ضربه چاقو به گردنش خورد و به بیمارستان منتقل شد و بعداً پس از حمله بهبود یافت. سانتوس توسط جنرال عبدالولی، فرمانده سابق ارتش سلطنتی افغانستان دستگیر شد و به مدت ۱۰ سال در ایتالیا زندانی شد.

1992

در ۲۹ دسامبر ۱۹۹۲، القاعده بمب‌گذاری در هتل یمن را در سال ۱۹۹۲ آغاز کرد. دو بمب در عدن یمن منفجر شد. هدف اول هتل موون پیک و دومین هدف پارکینگ هتل گلدموهور بود.

این بمباران ها تلاشی برای از بین بردن سربازان آمریکایی در راه سومالی برای شرکت در تلاش بین المللی امدادسانی به قحطی، عملیات بازگرداندن امید بود. در داخل، القاعده بمباران را یک پیروزی می دانست که باعث ترس آمریکایی ها شد، اما در ایالات متحده، حمله به سختی مورد توجه قرار گرفت. هیچ سرباز آمریکایی کشته نشد، زیرا در زمان بمباران هتل هیچ سربازی در آن اقامت نداشتند، با این حال یک گردشگر استرالیایی و یک کارگر هتل یمنی در این بمباران کشته شدند. هفت تن دیگر که اکثراً یمنی بودند به شدت مجروح شدند.

اواخر دهه ۱۹۹۰

بمب گذاری در سفارت نایروبی در سال ۱۹۹۸

مقاله های اصلی: بمب گذاری های سفارت ایالات متحده در سال ۱۹۹۸، نقشه های حمله هزاره ۲۰۰۰، و بمب گذاری یواس اس کول

در سال ۱۹۹۶، بن لادن شخصاً طرحی برای ترور رئیس جمهور ایالات متحده بیل کلینتون طراحی کرد، زمانی که رئیس جمهور برای همکاری اقتصادی آسیا و اقیانوسیه در مانیل بود. با این حال، ماموران اطلاعاتی پیامی را قبل از خروج کاروان رهگیری کردند و به سرویس مخفی ایالات متحده هشدار دادند. ماموران بعداً بمبی را که در زیر یک پل کار گذاشته شده بود، کشف کردند.

در ۷ آگوست ۱۹۹۸، القاعده سفارتخانه های ایالات متحده در شرق آفریقا را بمباران کرد و ۲۲۴ نفر از جمله ۱۲ آمریکایی را کشت. در رتال رگبار موشک های کروز که توسط ارتش ایالات متحده پرتاب شد، پایگاه القاعده را در خوست، افغانستان ویران کرد. به ظرفیت شبکه آسیبی نرسید. در اواخر سال ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰، القاعده حملاتی را همزمان با هزاره برنامه ریزی کرد که توسط ابوزبیده طراحی شده بود و ابوقتاده نیز در آن دخالت داشت که شامل بمباران اماکن مقدس مسیحیان در اردن، بمباران فرودگاه بین المللی لس آنجلس توسط احمد رسام، و بمباران

. USS The Sullivans (DDG-68)

در ۱۲ اکتبر ۲۰۰۰، ستیزه جویان القاعده در یمن ناوشکن موشکی یو اس اس کول را در یک حمله انتحاری بمباران کردند که ۱۷ نظامی آمریکایی را کشتند و کشتی در حالی که در فراساحل بود آسیب دید. با الهام از موفقیت چنین حمله گستاخانه ای، هسته فرماندهی القاعده شروع به آماده شدن برای حمله به خود ایالات متحده کرد.

حملات ۱۱ سپتامبر

حملات ۱۱ سپتامبر به آمریکا توسط القاعده به کشته شدن ۲۹۹۶ نفر - ۲۵۰۷ غیرنظامی، ۳۴۳ آتش نشان، ۷۲ افسر مجری قانون، ۵۵ پرسنل نظامی و همچنین ۱۹ هواپیمار با که دست به قتل و خودکشی زدند. دو هواپیمای مسافربری تجاری عمداً به برج های دوقلوی مرکز تجارت جهانی، هواپیمای سوم به پنتاگون و چهارمی که در ابتدا قصد داشت ساختمان کنگره ایالات متحده یا کاخ سفید را هدف قرار دهد، در میدانی در شهرک استونی کریک در نزدیکی شانکسویل پنسیلوانیا پس از شورش مسافران سقوط کرد.. این مرگبارترین حمله خارجی در خاک آمریکا از زمان حمله ژاپن

به پرل هاربر در ۷ دسامبر ۱۹۴۱ بود و تا به امروز مرگبارترین حمله تروریستی در تاریخ بشریت باقی مانده است.

این حملات توسط القاعده و بر اساس فتوای سال ۱۹۹۸ که توسط افراد تحت فرماندهی بن لادن، الظواهری و دیگران علیه ایالات متحده و متحدانش صادر شد، انجام شد. شواهد حاکی از آن است که جوخه های انتحاری به رهبری محمد عطا، فرمانده نظامی القاعده، با بن لادن، ایمن الظواهری، خالد شیخ محمد و همبالی به عنوان برنامه ریزان کلیدی و بخشی از فرماندهی سیاسی و نظامی، مسئول این حمله بودند.

بن لادن بایام‌هایی که پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ منتشر کرد، حملات را ستایش کرد و انگیزه آنها را توضیح داد و هر گونه دخالت را رد کرد. بن لادن با شناسایی نارضایتی های متعدد مسلمانان، مانند تصور عمومی مبنی بر اینکه ایالات متحده فعالانه مسلمانان را سرکوب می کند، قویاً از این حملات حمایت کرد. اسامه بن لادن در نامه خود به مردم آمریکا که در سال ۲۰۰۲ منتشر شد، اظهار داشت:

چرا با شما می جنگیم و مخالفت می کنیم؟ پاسخ بسیار ساده است:

(1) زیرا شما به ما حمله کردید و همچنان به ما حمله می کنید.

دولت و مطبوعات آمریکا هنوز از پاسخ به این سوال امتناع می ورزند: چرا در نیویورک و واشنگتن به ما حمله کردند؟

اگر شارون از نظر بوش مرد صلح است پس ما هم اهل صلح هستیم!!! آمریکا زبان آداب و اصول را نمی فهمد، بنابراین ما با استفاده از زبانی که می فهمد با آن سخن می گوئیم.

بن لادن تاکید کرد که آمریکا در حال کشتار مسلمانان در «فلسطین، چچن، کشمیر و عراق» است و مسلمانان باید «حق حمله به تلافی» را حفظ کنند. او همچنین مدعی شد که حملات ۱۱ سپتامبر مردم را هدف قرار نداده است، بلکه "نمادهای قدرت نظامی و اقتصادی آمریکا" را هدف قرار داده است، علیرغم این واقعیت که حمله در صبح انجام شد که اکثر افراد در اهداف مورد نظر حضور داشتند و در نتیجه باعث ایجاد حداکثر تعداد تلفات انسانی شد.

بعدها شواهدی به دست آمد مبنی بر اینکه ممکن است هدف اصلی این حمله، نیروگاه های هسته ای در ساحل شرقی ایالات متحده بوده باشد. اهداف بعداً توسط القاعده تغییر یافتند، زیرا بیم آن می رفت که چنین حمله ای "ممکن است از کنترل خارج شود".

نامگذاری به عنوان یک گروه تروریستی

القاعده توسط کشورها و سازمان های بین المللی زیر به عنوان یک گروه تروریستی شناخته می شود:

استرالیا

آذربایجان

بحرین

بلاروس

برزیل

کانادا

چین

اتحادیه اروپا

فرانسه هند

اندونزی

ایران

ایرلند

اسرائیل

ژاپن- قزاقستان-

قرقیزستان- ناتو

مالزی

هلند

نیوزلند

پاکستان

فیلیپین

روسیه

عربستان سعودی

کره جنوبی

سوئد

سوئیس

تاجیکستان

ترکیه (شاخه ترکیه القاعده را تعیین کرد)

امارات متحده عربی

بریتانیا

شورای امنیت سازمان ملل متحد-

ایالات متحده-

ازبکستان

ویتنام

جنگ با ترور

مقاله‌های اصلی: جنگ علیه تروریسم و فهرست جنگ‌ها و نبردهای مربوط به القاعده

نیروهای آمریکایی در افغانستان

بلافاصله پس از حملات ۱۱ سپتامبر، دولت ایالات متحده واکنش نشان داد و شروع به آماده سازی نیروهای مسلح خود برای سرنگونی طالبان کرد، که به نظر او پناهگاهی برای القاعده بود. ایالات متحده به ملا عمر رهبر طالبان فرصتی برای تسلیم بن لادن و دستیاران ارشدش داد. اولین نیروهایی که وارد افغانستان شدند افسران شبه نظامی بخش ویژه فعالیت های ویژه (SAD) سیا بودند.

طالبان پیشنهاد کردند که اگر ایالات متحده مدارکی دال بر همدستی بن لادن در حملات ارائه کند، بن لادن را برای محاکمه به کشوری بی طرف تحویل دهند. جورج دبلیو بوش، رئیس جمهور ایالات متحده در پاسخ گفت: "ما می دانیم که او مقصر است. او را برگردانید" و تونی بلر، نخست وزیر بریتانیا، به رژیم طالبان هشدار داد: "بن لادن را تسلیم کنید، یا قدرت را تسلیم کنید."

اندکی پس از آن، ایالات متحده و متحدانش به افغانستان حمله کردند و همراه با ائتلاف شمال افغانستان، دولت طالبان را به عنوان بخشی از جنگ در افغانستان حذف کردند. در نتیجه نیروهای ویژه ایالات متحده و حمایت هوایی از نیروهای زمینی ائتلاف شمالی، تعدادی از اردوگاه های آموزشی طالبان و القاعده منهدم شد و گمان می رود بسیاری از ساختار عملیاتی القاعده مختل شده باشد. بسیاری از جنگجویان القاعده پس از بیرون راندن از مواضع کلیدی خود در منطقه توره بورا افغانستان، سعی کردند در منطقه ناهموار گردیز این کشور دوباره جمع شوند.

در اوایل سال ۲۰۰۲، ضربه ای جدی به ظرفیت عملیاتی القاعده وارد شد و به نظر می رسید که حمله افغانستان موفقیت آمیز بود. با این وجود، یک شورش قابل توجه طالبان در افغانستان باقی مانده است.

بحث در مورد ماهیت نقش القاعده در حملات ۱۱ سپتامبر ادامه یافت. وزارت امور خارجه ایالات متحده یک نوار ویدئویی منتشر کرد که نشان می داد بن لادن با گروه کوچکی از نزدیکان خود در جایی در افغانستان، اندکی قبل از برکناری طالبان از قدرت صحبت می کند. اگرچه صحت آن توسط چند نفر مورد تردید قرار گرفته است، این نوار به طور قطع بن لادن و القاعده را در حملات ۱۱

سپتامبر دخیل می‌داند. این نوار در بسیاری از کانال‌های تلویزیونی پخش شد، همراه با ترجمه انگلیسی آن توسط وزارت دفاع ایالات متحده ارائه شد.

در سپتامبر ۲۰۰۴، کمیسیون ۱۱ سپتامبر رسماً به این نتیجه رسید که این حملات توسط عوامل القاعده طراحی و اجرا شده است. در اکتبر ۲۰۰۴، بن لادن در یک نوار ویدئویی که از طریق الجزیره منتشر شد، ظاهراً مسئولیت این حملات را برعهده گرفت و گفت که از حملات اسرائیل به بلندی‌های بلند در تهاجم سال ۱۹۸۲ به لبنان الهام گرفته است: «همانطور که به آن برج‌های تخریب شده در لبنان نگاه می‌کردم. به ذهنم خطور کرد که ظالم را به گونه‌ای مجازات کنیم و برج‌هایی را در آمریکا ویران کنیم تا از آنچه ما چشیده‌ایم بچشند. و از کشتن زنان و کودکان ما منصرف شوند».

در پایان سال ۲۰۰۴، دولت ایالات متحده اعلام کرد که دو سوم از شخصیت‌های ارشد القاعده از سال ۲۰۰۱ توسط سیا دستگیر و بازجویی شده‌اند: ابوزبیده، رمزی بن الشیبه و عبدالرحیم النشیری در ۲۰۰۲؛ خالد شیخ محمد در ۲۰۰۳؛ و سیف‌الاسلام المصری در سال ۲۰۰۴. محمد عاطف و چند تن دیگر کشته شدند. غرب به دلیل عدم توانایی مدیریت القاعده با وجود یک دهه جنگ مورد انتقاد قرار گرفت.

فعالیت‌ها



کشورهای اصلی فعالیت القاعده

آفریقا

نوشتار اصلی: دخالت القاعده در آفریقا

منطقه عملیاتی القاعده در مغرب اسلامی (GSPC سابق).

دخالت القاعده در آفریقا شامل تعدادی حملات بمب گذاری در شمال آفریقا و در عین حال حمایت از احزاب در جنگ های داخلی در اریتره و سومالی بوده است. از سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۶ بن لادن و دیگر رهبران القاعده در سودان مستقر بودند.

شورشیان اسلامگرا در صحرا که خود را القاعده در مغرب اسلامی می نامند، خشونت خود را در سالهای اخیر افزایش داده اند. مقامات فرانسوی می گویند که شورشیان هیچ ارتباط واقعی با رهبری القاعده ندارند، اما این موضوع مورد مناقشه قرار گرفته است. به نظر می رسد که بن لادن نام این گروه را در اواخر سال ۲۰۰۶ تأیید کرده است، و تقریباً یک سال قبل از شروع خشونت ها، شورشیان «برچسب حق رای القاعده» را به خود گرفتند.

در مالی، جناح انصار دین نیز به عنوان متحد القاعده در سال ۲۰۱۳ گزارش شد. گروه انصار الدین خود را با AQIM همسو کردند.

در سال ۲۰۱۱، شاخه شمال آفریقای القاعده رهبر لیبی معمر قذافی را محکوم کرد و از شورشیان ضد قذافی حمایت کرد.

پس از جنگ داخلی لیبی، برکناری قذافی و دوره متعاقب آن خشونت های پس از جنگ داخلی در لیبی، گروه های مختلف اسلامگرای شبه نظامی وابسته به القاعده توانستند عملیات خود را در منطقه گسترش دهند. حمله سال ۲۰۱۲ بنغازی که منجر به کشته شدن سفیر آمریکا جی کریستوفر استیونز و سه آمریکایی دیگر شد، مشکوک است که توسط شبکه های جهادی مختلف مانند القاعده در مغرب اسلامی، انصار الشریعه و سایر گروه های وابسته به القاعده انجام شده باشد. دستگیری نازیه عبدالحمد الرقعی، یکی از عوامل ارشد القاعده که توسط ایالات متحده به دلیل داشتن در بمب گذاری های سفارت ایالات متحده در سال ۱۹۹۸ تحت تعقیب بود، در ۵ اکتبر ۲۰۱۳، توسط ماموران نیروی دریایی ایالات متحده، اف بی آی و سیا نشان دهنده اهمیتی است که ایالات متحده و دیگر متحدان غربی برای شمال آفریقا قائل شده اند.

اروپا

نوشتار اصلی: فعالیت های القاعده در اروپا

قبل از حملات ۱۱ سپتامبر، القاعده در بوسنی و هرزگوین حضور داشت و اعضای آن اکثراً از کهنه سربازان گروه المودزاهید ارتش مسلمان بوسنیایی جمهوری بوسنی و هرزگوین بودند. سه عامل القاعده بمب گذاری در خودروی بمب گذاری شده موستار را در سال ۱۹۹۷ انجام دادند. این عوامل ارتباط نزدیکی با کمیسیون عالی عربستان سعودی برای امداد رسانی به بوسنی و هرزگوین داشتند که توسط شاهزاده سلمان، ولیعهد وقت عربستان سعودی، تأسیس شده بود.

قبل از حملات ۱۱ سپتامبر و تهاجم ایالات متحده به افغانستان، غربی هایی که در اردوگاه های آموزشی القاعده استخدام شده بودند، توسط شاخه نظامی القاعده جستجو می شدند. مهارت های زبانی و دانش فرهنگ غربی عموماً در میان سربازان استخدام شده از اروپا یافت می شد، مانند مورد محمد عطا، یک تبعه مصری که در زمان آموزش در آلمان تحصیل می کرد، و سایر اعضای گروه هامبورگ. اسامه بن لادن و محمد عاطف بعداً عطا را به عنوان سرکرده هواپیماربایان ۱۱ سپتامبر معرفی کردند. پس از این حملات، آژانس های اطلاعاتی غربی تشخیص دادند که هسته های القاعده که در اروپا فعالیت می کردند به هواپیماربایان در تامین مالی و ارتباط با رهبری مرکزی مستقر در افغانستان کمک کرده بودند.

در سال ۲۰۰۳، اسلام گرایان یک سری بمب گذاری در استانبول انجام دادند که در آن پنجاه و هفت نفر کشته و هفتصد نفر زخمی شدند. مقامات ترکیه هفتاد و چهار نفر را متهم کردند. برخی قبلاً با بن لادن ملاقات کرده بودند، و اگرچه آنها به طور خاص از بیعت با القاعده خودداری کردند، اما از آن برکت و کمک خواستند.

در سال ۲۰۰۹، سه شهروند لندن به نام‌های تنویر حسین، اسد سرور و احمد عبدالله علی به اتهام توطئه برای منفجر کردن بمب‌هایی که به شکل نوشابه در هفت هواپیما به مقصد کانادا و ایالات متحده حرکت می‌کردند، محکوم شدند. تحقیقات MI5 در مورد طرح شامل بیش از یک سال کار نظارتی انجام شده توسط بیش از دویست افسر بود. مقامات بریتانیایی و آمریکایی گفتند که این توطئه - بر خلاف بسیاری از توطئه‌های شبه‌نظامی اسلامی اروپایی مشابه داخلی - مستقیماً با القاعده مرتبط بود و توسط اعضای ارشد القاعده در پاکستان هدایت می‌شد.

در سال ۲۰۱۲، اطلاعات روسیه نشان داد که القاعده فراخوانی برای "جهاد جنگل" داده است و آتش سوزی های گسترده در جنگل ها را به عنوان بخشی از استراتژی "هزار برش" آغاز کرده است.

جهان عرب

مقالات اصلی: دخالت القاعده در آسیا، القاعده در مغرب اسلامی، القاعده در شبه جزیره عربستان، و بمباران یو اس اس کول

یو اس اس کول پس از حمله اکتبر ۲۰۰۰

پس از اتحاد یمن در سال ۱۹۹۰، شبکه های وهابی شروع به انتقال مبلغان به این کشور کردند. اگرچه بعید است که بن لادن یا القاعده سعودی مستقیماً در آن دخالت داشته باشند، ارتباطات شخصی آنها در دهه آینده ایجاد خواهد شد و در بمباران یو اس اس کول استفاده خواهد شد. نگرانی ها در مورد گروه القاعده در یمن افزایش یافت.

در عراق، نیروهای القاعده که ارتباط ضعیفی با رهبری داشتند در گروه جماعت التوحید والجهاد به فرماندهی ابومصعب الزرقاوی جای گرفتند. آنها که در عملیات انتحاری تخصص داشتند، "محرک اصلی" شورش سنی ها بوده اند. اگرچه آنها نقش کوچکی در شورش کلی داشتند، اما مسئولیت بین ۳۰ تا ۴۲ درصد از همه بمب گذاری های انتحاری که در سال های اولیه رخ داد، توسط گروه زرقاوی پذیرفته شد. گزارش ها حاکی از آن است که نظارت هایی مانند عدم کنترل دسترسی به کارخانه مهمات قعقاع در یوسفیه باعث شده است که مقادیر زیادی مهمات به دست القاعده بیفتد. در نوامبر ۲۰۱۰، گروه شبه نظامی دولت اسلامی عراق، که با القاعده در عراق مرتبط است، تهدید کرد که "تمام مسیحیان عراق را نابود خواهد کرد".

القاعده آموزش فلسطینیان را تا اواخر دهه ۱۹۹۰ آغاز نکرد. گروه‌های بزرگی مانند حماس و جهاد اسلامی فلسطین، اتحاد با القاعده را رد کرده‌اند، زیرا می‌ترسند که القاعده هسته‌های آن‌ها را همدستی کند. این ممکن است اخیراً تغییر کرده باشد. سرویس‌های امنیتی و اطلاعاتی اسرائیل بر این باورند که القاعده موفق شده است تا عواملی را از سرزمین‌های اشغالی به داخل اسرائیل نفوذ دهد و منتظر فرصتی برای حمله است.

از سال ۲۰۱۵، عربستان سعودی، قطر و ترکیه آشکارا از ارتش فتح، یک گروه شورشی حمایت می‌کنند که در جنگ داخلی سوریه علیه دولت سوریه می‌جنگد که ظاهراً شامل جبهه النصره و ائتلاف سلفی معروف به احرار الشام مرتبط با القاعده است.

کشمیر

نوشتار اصلی: درگیری کشمیر

بن لادن و ایمن الظواهری هند را بخشی از یک توطئه ادعایی صلیبی-صهیونیست-هندو علیه جهان اسلام می‌دانند. بر اساس گزارش سال ۲۰۰۵ توسط سرویس تحقیقات کنگره، بن لادن در حالی که در اوایل دهه ۱۹۹۰ در سودان زندگی می‌کرد، در آموزش شبه نظامیان برای جهاد در کشمیر مشارکت داشت. در سال ۲۰۰۱، گروه ستیزه جوی کشمیری حرکات المجاهدین بخشی از ائتلاف القاعده شده بود. به گفته کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد (UNHCR)، القاعده در طول جنگ کارگیل در سال ۱۹۹۹ با تایید ضمنی سرویس های اطلاعاتی پاکستان، پایگاه هایی را در کشمیر پاکستان (در کشمیر آزاد و تا حدودی در گیلگیت-بالتستان) ایجاد کرده و در آنجا به فعالیت خود ادامه داده است.

بسیاری از ستیزه جویان فعال در کشمیر در مدارس مشابه طالبان و القاعده آموزش دیده اند. فضل الرحمن خلیل از گروه ستیزه جوی کشمیری حرکت المجاهدین یکی از امضاکنندگان اعلامیه جهاد القاعده در سال ۱۹۹۸ علیه آمریکا و متحدانش بود. بن لادن در نامه‌ای به مردم آمریکا (۲۰۰۲) نوشت که یکی از دلایلی که او با آمریکا می‌جنگید، حمایت آمریکا از هند در موضوع کشمیر بود. در نوامبر ۲۰۰۱، فرودگاه کاتماندو پس از تهدیدهایی مبنی بر اینکه بن لادن قصد دارد یک هواپیما را ربوده و آن را به هدفی در دهلی نو بزند، در حالت آماده باش قرار گرفت. در سال ۲۰۰۲، وزیر دفاع ایالات متحده، دونالد رامسفلد، در سفری به دهلی، پیشنهاد کرد که القاعده در کشمیر فعال است، اگرچه او هیچ مدرکی در اختیار نداشت. رامسفلد سنسورهای زمینی پیشرفته را در امتداد خط کنترل برای جلوگیری از نفوذ شبه نظامیان به کشمیر تحت کنترل هند پیشنهاد کرد. تحقیقات در سال ۲۰۰۲ شواهدی را نشان داد که القاعده و وابستگان آن در کشمیر تحت مدیریت پاکستان با تأیید ضمنی سازمان اطلاعات بین‌سرویس پاکستان در حال پیشرفت بودند. در سال ۲۰۰۲، پس از دریافت گزارش هایی مبنی بر پناه گرفتن بن لادن توسط گروه ستیزه جوی کشمیری حرکات المجاهدین، که مسئول ربودن مناطق غربی بود، یک تیم ویژه از خدمات ویژه هوایی و نیروی دلتا به کشمیر تحت کنترل هند فرستاده شد تا به دنبال بن لادن بگردند. رنکزیب احمد، عالی‌رتبه‌ترین عامل القاعده بریتانیا، قبلاً در کشمیر با گروه حرکات المجاهدین جنگیده بود و پس از دستگیری در کشمیر مدتی را در زندان هند گذراند.

مقامات ایالات متحده بر این باورند که القاعده به سازماندهی حملات در کشمیر به منظور تحریک درگیری بین هند و پاکستان کمک می‌کرد. استراتژی آنها این بود که پاکستان را وادار کنند تا نیروهای خود را به مرز هند منتقل کند و بدین ترتیب از فشار بر عناصر القاعده که در شمال غربی پاکستان پنهان شده بودند، کاسته شود. در سال ۲۰۰۶ القاعده ادعا کرد که شاخه ای در کشمیر ایجاد کرده است. با این حال ژنرال H. S. Panag از ارتش هند استدلال کرد که ارتش حضور القاعده در جامو و کشمیر تحت کنترل هند را رد کرده است. پاناک همچنین گفت که القاعده روابط قوی با گروه های شبه نظامی کشمیری لشکر طیبه و جیش محمد مستقر در پاکستان دارد. اشاره شده است که

وزیرستان به میدان نبرد شبه نظامیان کشمیری تبدیل شده است که در حمایت از القاعده و طالبان با ناتو می جنگند. دیرن باروت، که ارتش مدینه را در کشمیر نوشت و یکی از عوامل القاعده بود که به دلیل مشارکت در توطئه ساختمانهای مالی در سال ۲۰۰۴ محکوم شد، در یک اردوگاه آموزشی ستیزه جویان در کشمیر آموزش سلاح و مواد منفجره را دیده بود.

اعتقاد بر این است که مولانا مسعود ازهر، بنیانگذار گروه کشمیری جیش محمد، چندین بار با بن لادن ملاقات کرده و از او کمک مالی دریافت کرده است. در سال ۲۰۰۲، جیش محمد ربودن و قتل دانیل پرل را در عملیاتی که با همکاری القاعده و توسط بن لادن انجام شد، سازماندهی کرد. به گفته بروس ریدل، کارشناس آمریکایی مبارزه با تروریسم، القاعده و طالبان از نزدیک در ربودن پرواز ۸۱۴ خطوط هوایی هند به قندهار در سال ۱۹۹۹ که منجر به آزادی مولانا مسعود ازهر و احمد عمر سعید شیخ از زندان هند شد، دست داشتند. ریدل گفت که این هواپیماربایی به درستی توسط جاسوانت سینگ، وزیر خارجه وقت هند به عنوان "تمرین لباس" برای حملات ۱۱ سپتامبر توصیف شد. بن لادن شخصاً از ازهر استقبال کرد و پس از آزادی او یک مهمانی مجلل به افتخار او برپا کرد. احمد عمر سعید شیخ که به خاطر نقشش در ربودن گردشگران غربی در هند در سال ۱۹۹۴ در زندان به سر می برد، به قتل دانیل پرل ادامه داد و در پاکستان به اعدام محکوم شد. رشید رئوف، عامل القاعده، که یکی از متهمان توطئه هواپیمای فراتلانتیک در سال ۲۰۰۶ بود، با مولانا مسعود ازهر نسبت سببی (نسبت به واسطه ازدواج) داشت.

لشکر طیبه، یک گروه شبه نظامی کشمیری که گمان می رود پشت حملات بمبئی در سال ۲۰۰۸ باشد، همچنین به داشتن روابط قوی با رهبران ارشد القاعده ساکن پاکستان شناخته شده است. در اواخر سال ۲۰۰۲، ابوزبیده یکی از اعضای ارشد القاعده در حالی که توسط لشکر طیبه در خانه ای امن در فیصل آباد پناه گرفته بود، دستگیر شد. FBI معتقد است که القاعده و لشکر برای مدت طولانی "در هم تنیده" بوده اند، در حالی که سیا گفته است که القاعده از لشکر طیبه حمایت مالی می کند. ژان لوئیس بروگییر در سال ۲۰۰۹ به رویترز گفت که "لشکر طیبه دیگر یک جنبش پاکستانی نیست که فقط یک برنامه سیاسی یا نظامی کشمیر دارد. لشکر طیبه یکی از اعضای القاعده است."

در ویدئویی که در سال ۲۰۰۸ منتشر شد، آدام یحیی گدان، عامل ارشد القاعده متولد آمریکا، گفت: «پیروزی در کشمیر سالها به تعویق افتاده است؛ این جهادآزادی بخش ومداخله در آنجا انشاءالله اولین گام در جهت پیروزی بر هندوها و اشغالگران آن سرزمین اسلامی خواهد بود.»

در سپتامبر ۲۰۰۹، گزارش شد که یک حمله هواپیمای بدون سرنشین ایالات متحده الیاس کشمیری را کشت اورئیس حرکت الجهاد اسلامی، یک گروه شبه نظامی کشمیری مرتبط با القاعده بود. الیاس کشمیری توسط بروس ریدل به عنوان یکی از اعضای "برجسته" القاعده توصیف شد در حالی که دیگران او را به عنوان رئیس عملیات نظامی القاعده توصیف کردند. کشمیری همچنین توسط ایالات متحده متهم شد در توطئه علیه Jyllands-Posten، روزنامه دانمارکی که در مرکز جنجال کاریکاتورهای حضرت محمد(ص) قرار داشت، دست داشته است. مقامات ایالات متحده همچنین معتقدند که کشمیری در حمله کمپ چیم علی به دست داشته است. در ژانویه ۲۰۱۰، مقامات هندی بریتانیا را از طرح القاعده برای ربودن یک هواپیمای خطوط هوایی هند یا هواپیمای ایرایندیا و سقوط آن در یک شهر بریتانیا مطلع کردند. این اطلاعات از بازجویی امجد خواجه، یکی از عوامل حرکت الجهاد اسلامی، که در هند دستگیر شده بود، آشکار شد.

در ژانویه ۲۰۱۰، رابرت گیتس، وزیر دفاع ایالات متحده، در حالی که در پاکستان بود، گفت که القاعده به دنبال بی ثبات کردن منطقه و برنامه ریزی برای تحریک جنگ هسته ای بین هند و پاکستان است.

اینترنت

القاعده و جانشینان آن برای فرار از شناسایی در فضایی که با هوشیاری بین المللی افزایش یافته است، به صورت آنلاین فعال تر شده اند. با فعالیت های آنلاینی که شامل تامین مالی، استخدام، شبکه سازی، بسیج، تبلیغات و انتشار اطلاعات، جمع آوری و به اشتراک گذاری است، استفاده این گروه از اینترنت پیچیده تر شده است.

جنبش القاعده ابوابوب المصری در عراق به طور مرتب ویدیوهای کوتاهی را منتشر می کند که در آن از فعالیت بمب گذاران انتحاری جهادی تجلیل می شود. علاوه بر این، هم قبل و هم بعد از مرگ ابومصعب الزرقاوی (رهبر سابق القاعده در عراق)، سازمانی که القاعده در عراق به آن تعلق دارد، مجلس شورای مجاهدین، حضور مستمری دروب دارد.

طیف محتوای چندرسانه‌ای شامل کلیپ‌های آموزشی چریکی، عکس‌های قربانیان در شرف قتل، شهادت بمب‌گذاران انتحاری، و ویدئوهایی است که مشارکت در جهاد را از طریق پرتره‌های تلطیف‌شده از مساجد و قطعات موسیقی نشان می‌دهد. یک وب سایت مرتبط با القاعده ویدئویی از سر بریدن نیک برگ، کارآفرین آمریکایی اسیر شده در عراق منتشر کرد. فیلم‌ها و تصاویر دیگری از بریدن سر، از جمله عکس‌های پل جانسون، کیم سان ایل (که در وبسایت‌ها ارسال شده است)، و دانیل پرل که توسط بازرسان به دست آمده است، صورت گرفته است.

در دسامبر ۲۰۰۴، یک پیام صوتی که ادعا می‌کرد از طرف بن لادن است، مستقیماً در یک وبسایت پست شد، درحالی که قبلاً پیامها برای الجزیره فرستاده می شد. القاعده برای انتشار ویدیوهای خود به اینترنت روی آورد تا مطمئن شود که آنها بدون ویرایش در دسترس خواهند بود، نه اینکه الجزیره را به خطر بیاندازد و این شبکه را مجبور کند انتقادات او را نسبت به خاندان سلطنتی سعودی، سانسور کند.

Alneda.com و Jihad.net شاید مهم ترین وب سایت های القاعده بودند. Alneda در ابتدا توسط Jon Messner آمریکایی حذف شد، اما اپراتورها با انتقال سایت به سرورهای مختلف و تغییر استراتژیک محتوا مقاومت کردند.

دولت ایالات متحده یک متخصص فناوری اطلاعات انگلیسی به نام بابر احمد را به جرایم تروریستی مرتبط با راه اندازی شبکه ای از وب سایت های انگلیسی زبان القاعده مانند Azzam.com متهم کرد. او مجرم شناخته شد و به ۱۲ سال و شش ماه زندان محکوم شد.

ارتباطات آنلاین

در سال ۲۰۰۷، القاعده نرم افزار رمزگذاری مجاهدین را منتشر کرد که برای ارتباطات آنلاین و سله‌ای استفاده می شود. نسخه بعدی، اسرار مجاهدین ۲، در سال ۲۰۰۸ منتشر شد.

شبکه هوانوردی

بر اساس گزارش رویترز در سال ۲۰۱۰، گمان می رود القاعده یک شبکه هوایی مخفی شامل "چند هواپیمای بوئینگ ۷۲۷"، توربوپراپ و جت های اجرایی را اداره کند. بر اساس گزارش وزارت

امنیت داخلی ایالات متحده، این داستان می گوید که القاعده احتمالاً از هواپیما برای انتقال مواد مخدر و سلاح از آمریکای جنوبی به کشورهای مختلف بی ثبات در غرب آفریقا استفاده می کند. یک بوئینگ ۷۲۷ می تواند تا ده تن بار حمل کند. مواد مخدر در نهایت برای توزیع و فروش به اروپا قاچاق می شود و از سلاح ها در درگیری ها در آفریقا و احتمالاً در جاهای دیگر استفاده می شود. افراد مسلح مرتبط با القاعده به طور فزاینده ای اروپایی ها را برای باج می ربایند. سود حاصل از فروش مواد مخدر و سلاح، و آدم ربایی می تواند به نوبه خود، فعالیت های ستیزه جویانه بیشتری را تامین کند.

دخالت در درگیری های نظامی

فهرست زیر، فهرستی از درگیری های نظامی است که القاعده و وابستگان مستقیم آن به صورت نظامی در آن شرکت داشته اند.

شاخه های درگیری	مکان	قاره	درگیری	پایان درگیری	شروع درگیری
الشباب	سومالی	آفریقا	جنگ داخلی سومالی	در حال انجام	1991
مرکز القاعده	دولت اسلامی افغانستان	آسیا	جنگ داخلی افغانستان	1996	1992
القاعده در عربستان	یمن	آسیا	شورش القاعده در یمن	در حال انجام	1992
مرکز القاعده	امارت اسلامی افغانستان	آسیا	جنگ داخلی در افغانستان	2001	1996
مرکز القاعده	افغانستان	آسیا	جنگ در افغانستان	2021	2001
القاعده در مغرب اسلامی	الجزایر-چاد-مالی-موریتانی-مراکش-نیجر-تونس	آفریقا	شورش در مغرب	در حال انجام	2002
القاعده در عراق	عراق	آسیا	جنگ عراق	2011	2003
مرکز القاعده	پاکستان	آسیا	جنگ در شمال غربی پاکستان	در حال انجام	2004
امارت قفقاز	روسیه	آسیا	شورش در قفقاز شمالی	2017	2009
جبهه النصره	سوریه	آسیا	جنگ داخلی سوریه	در حال انجام	2011
القاعده در شبه جزیره عربستان	یمن	آسیا	مداخله عربستان سعودی در یمن	در حال انجام	2015

نفوذ گسترده تر

آندرس برینگ بریویک، عامل حملات سال ۲۰۱۱ نروژ، از القاعده الهام گرفت و آن را "موفق ترین جنبش انقلابی در جهان" نامید. او ضمن اعتراف به اهداف مختلف، به دنبال «ایجاد نسخه اروپایی القاعده» بود.

پاسخ مناسب به شاخه ها موضوع بحث است. روزنامه نگاری در سال ۲۰۱۲ گزارش داد که یک برنامه ریز ارشد نظامی ایالات متحده پرسیده است: "آیا باید هر بار که برخی از گروه ها پرچم سیاه القاعده را برافراشتند به هواپیماهای بدون سرنشین و حملات عملیات ویژه متوسل شویم؟ تا کی می توانیم به تعقیب شاخه ها در سراسر جهان ادامه دهیم؟"

نقد

به گفته روزنامه نگاران سی ان ان، پیتر برگن و پل کرویکشنک، تعدادی از «علمای مذهبی، مبارزان و مبارزان سابق» که قبلاً از دولت اسلامی عراق (ISI) حمایت می کردند، در سال ۲۰۰۸ علیه شورشیان عراقی مورد حمایت القاعده موضع گرفتند. به دلیل حملات بی رویه آی اس آی علیه غیرنظامیان در حالی که نیروهای ائتلاف به رهبری ایالات متحده را هدف قرار می دهد. بروس ریدل، تحلیلگر نظامی آمریکایی در سال ۲۰۰۸ نوشت که "موج انزجار" علیه آی اس آی به وجود آمد که به گروه "فرزندان عراق" متحد ایالات متحده این امکان را داد تا رهبران قبایل مختلف در منطقه الانبار را علیه شورشیان عراقی برانگیزاند. در پاسخ، بن لادن و ظواهری با صدور بیانییه های عمومی از مسلمانان خواستند که پشت سر رهبری آی اس آی گرد هم آیند و از مبارزه مسلحانه علیه نیروهای آمریکایی حمایت کنند.

در نوامبر ۲۰۰۷، نعمان بنوتمان، عضو سابق گروه مبارزات اسلامی لیبی (LIFG) پس از متقاعد کردن رهبران ارشد زندانی گروه سابق خود برای وارد شدن به مذاکرات صلح با رژیم لیبی، با نامه انتقادی عمومی و سرگشاده به ایمن الظواهری پاسخ داد. در حالی که ایمن الظواهری در نوامبر ۲۰۰۷ وابستگی این گروه به القاعده را اعلام کرد، دولت لیبی ۹۰ نفر از اعضای این گروه را چند ماه پس از "گفته شد که آنها از خشونت دست کشیده اند" را از زندان آزاد کرد.

در سال ۲۰۰۷، در سالگرد حملات ۱۱ سپتامبر، شیخ سلمان العوده سعودی یک توبیخ شخصی به بن لادن کرد. العوده در تلویزیون خطاب به رهبر القاعده از او پرسید:

برادرم اسامه چقدر خون ریخته شده است؟ چند نفر از مردم، کودکان، سالمندان و زنان بی گناه... به نام القاعده کشته شده اند؟ آیا از دیدار خداوند متعال که بار این صدها هزار یا میلیون ها [قربانی] را بر دوش می کشد، خوشحال می شوید؟

طبق نظرسنجی های پیو، حمایت از القاعده در سال های قبل از ۲۰۰۸ در جهان اسلام کاهش یافته بود. بر اساس نظرسنجی دسامبر ۲۰۰۷ توسط Terror Free Tomorrow، یک اندیشکده مستقر در واشنگتن، در عربستان سعودی، تنها ۱۰ درصد دیدگاه مثبتی نسبت به القاعده داشتند.

در سال ۲۰۰۷، دکتر فضل زندانی که از عرب های افغان با نفوذ و از همکاران سابق ایمن الظواهری بود، حمایت خود را از القاعده پس گرفت و در کتاب وثیقات ترشید العمل الجهادی فی مصر از این سازمان انتقاد کرد. العالم (به انگلیسی: Rationalizing جهاد در مصر و جهان). الظواهری در پاسخ، دکتر فضل را به ترویج «اسلام بدون جهاد» که با منافع غرب همسو است، متهم کرد و رساله ای نزدیک به دویست صفحه نوشت، با عنوان «تبرئه» که در مارس ۲۰۰۸ در

اینترنت منتشر شد. ظواهری حملات نظامی علیه اهداف ایالات متحده را به عنوان حملات تلافی جویانه برای دفاع از جامعه مسلمانان در برابر تجاوزات آمریکا توجیه کرد.

در یک صفحه وب تعاملی تالار شهر که در دسامبر ۲۰۰۷ برگزار شد، ظواهری هدف قرار دادن عمدی بیگناهان توسط القاعده را رد کرد و ائتلاف آمریکایی را به کشتن مردم بیگناه متهم کرد. در سپتامبر ۲۰۰۹، LIFG (مبارزات اسلامی لیبی) که زمانی با القاعده ارتباط داشت، یک "سیگنال" جدید برای جهاد را ارائه کرد، یک سند مذهبی ۴۱۷ صفحه ای با عنوان "مطالعات اصلاحی". با توجه به اعتبار آن و این واقعیت که چندین جهادگر برجسته دیگر در خاورمیانه علیه القاعده شده اند، عقب نشینی LIFG ممکن است گام مهمی در جهت تداوم حذف القاعده باشد.

انتقادات دیگر

بلال عبدالکریم، روزنامه نگار آمریکایی مستقر در سوریه، مستندی درباره الشباب، وابسته به القاعده در سوماتری ساخته است. این مستند شامل مصاحبه هایی با اعضای سابق این گروه بود که دلایل خود را برای ترک الشباب بیان کردند به اعضا اتهامات جداسازی، عدم آگاهی دینی و فساد داخلی و طرفداری را وارد کردند. جبهه جهانی رسانه اسلامی در پاسخ به کریم، کریم را محکوم کرد، او را دروغگو خواند و اتهامات مبارزان سابق را رد کرد.

در اواسط سال ۲۰۱۴ پس از اینکه دولت اسلامی عراق و شام اعلام کرد خلافت را بازگردانده است، بیانیه ای صوتی توسط ابومحمد العدنانی، سخنگوی وقت این گروه منتشر شد که در آن مدعی شد «مشروعیت همه امارات، گروه ها، ایالت ها و سازمان ها با گسترش اختیارات خلافت باطل می شود». این سخنرانی شامل رد مذهبی القاعده به دلیل ملایمت بیش از حد در قبال شیعیان و امتناع آنها از به رسمیت شناختن مرجعیت ابوبکر البغدادی بود، العدنانی به طور خاص خاطرنشان کرد: «برای دولت مناسب نیست که با یک سازمان بیعت کند.» وی همچنین نمونه ای از گذشته را به یاد آورد که در آن اسامه بن لادن از اعضای و حامیان القاعده خواست تا با ابوعمر البغدادی بیعت کنند، زمانی که این گروه هنوز به عنوان دولت اسلامی عراق تنها در عراق فعالیت می کرد و ایمن ظواهری به خاطر عدم ارائه همین ادعا برای ابوبکر البغدادی، البغدادی را محکوم کرد.. ظواهری مشوق جناح بندی و تفرقه بین متحدان سابق داعش مانند جبهه النصره بود.

برای مقاله اصلی و منابع رجوع کنید به <https://en.wikipedia.org/wiki/Al-Qaeda>